

فراخوان حزب کمونیست کارگری در مورد تبلیغات فاشیستی علیه مهاجرین افغانستانی



پیام پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران صفحه ۲

کارگران رسمی نفت وارد مرحله ای جدید از اعتراض به وضعیت معیشتی خود می شوند
مهران محبی، صفحه ۷

برنامه توسعه هفتم باعث نجات حکومت نخواهد شد
پویان پیروز، صفحه ۴

تجمع کارگران سکوهای نفتی ابوذر، خارک، مسجد سلیمان صفحه ۸

جنگ اسرائیل و نیروهای اسلامی، تماما جنگی علیه مردم است! صفحه ۶

ادامه اعتصاب کارگران آلومینیوم سازی اراک (ایرالکو) صفحه ۲

تجمعات بازنشستگان کشوری در سندج و اهواز صفحه ۶

۱۰ مهر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در ۱۴ شهر صفحه ۸

ادامه اعتصاب کارگران آلومینیوم اراک و تجمع کارگران سکوهای نفتی در فلات قاره و نفت و
گاز و پارس و مناطق نفت خیز جنوب صفحه ۹

تجمعات اعتراضی بازنشستگان نامین اجتماعی، فولاد و معلولین و اخباری دیگر صفحه ۹

پیام پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در حمایت از مهاجرین افغانستانی در
ایران، صفحه ۱۰

برگرفته از مدیای اجتماعی

نشانی خانه دزد را میدهند تا از دزدی در امان باشیم!، صفحه ۱۲

بیانیه سه نهاد به مناسبت دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام! صفحه ۱۵

بیانیه دادخواهان به مناسبت ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) روز جهانی مبارزه علیه اعدام، صفحه ۱۶

شورای بازنشستگان ایران به مناسبت روز جهانی مبارزه علیه اعدام و روز جهانی کودک، صفحه ۱۶

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۰۰

۱۷ مهر ۱۴۰۲

۱۹ اکتبر ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

علیه مجازات اعدام
کاظم نیک خواه، صفحه ۱۳

از غوغا تابان باید آموخت
شهلا دانشفر صفحه ۳

به جنایت علیه آرمینا
اعتراض کنیم! صفحه ۵

کارگران در هفته ای که
گذشت
سهیلا رضوانی، صفحه ۱۱

تجمعات اعتراضی
سراسری بازنشستگان
مخابرات صفحه ۱۰

تجمعات بازنشستگان
کشوری در سندج و اهواز
صفحه ۶

آرمینا گراوند تکرار
تراژدی چماق حجاب
صفحه ۱۶



پیام پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران

امروز نشست کمیته مرکزی حزب در دوران تاریخ سازی برگزار میشود و شما کارگران یک ستون محکم انقلاب زن زندگی آزادی هستید. شما بخش های مختلف طبقه کارگر از جمله کارگران شاغل و بیکار، معلمان، بازنشستگان، پرستاران نقش مهمی در سیر اوضاع جامعه به شرایط انقلابی داشته اید و برآمد انقلاب یک نتیجه مستقیم حضور پر رنگ و قدرتمند شما در این برهه از تاریخ است.

کمیته مرکزی حزب درود میفرستد به شما معلمان که در این مدت زیر شدیدترین حملات رژیم بودید، دستگیرها دادید و بسیاری از شما با احکام اخراج و تعلیق روبرو شدید، اما با کارزارهایتان در مقابل این سرکوبگرها ایستاده اید. شما معلمان که در برابر حملات وحشیانه شیمیایی به مدارس ایستاده اید. شما معلمان دانش آموزان هستید" و روز اعتراض سراسری نوزده اسفند ۱۴۰۱ را آفریدید.

کمیته مرکزی حزب درود میفرستد به شما بازنشستگان که با شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" به قلب تپنده انقلاب در کف خیابان تبدیل شده اید. شما که امروز با دو شعار کلیدی "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی، اتحاد اتحاد"، پرچم اتحاد مبارزاتی کارگری را برافراشته و در صف اول مبارزه علیه بی تامینی اقتصادی و فقر و بساط دزدسالاری حاکم قرار گرفته اید.

کارگران! مردم!
انقلاب زن زندگی آزادی یکساله شد و گرامیداشت سالروز آن در بیست و پنج شهریور شکستی دیگر برای حکومت و پیشروی بزرگی برای انقلاب بود. جامعه با صدای رساتری عزم راسخ خود برای تداوم انقلاب و رهایی از جهنم جمهوری اسلامی را فریاد زد و امروز همه شواهد از برآمد قدرتمندتر انقلاب حکایت میکنند. با اتکا به همه این پیشروی ها به استقبال چنین اتفاق تاریخ سازی برویم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مهر ۱۴۰۲، ۶ اکتبر ۲۰۲۳

شما کارگران و تشکل های مختلف کارگری با منشورها و بیانیه های خود در مناسبت های مختلف و ابراز وجود سیاسی تان نقش مهمی در تعمیق و اعلام خواستها و اهداف انقلاب داشته اید. یک نمونه برجسته و ماندگار آن منشور دوازده بندی خواست های حداقلی است که با امضای بیست تشکل از معلمان و تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی منتشر شد. منشوری که مانیفست انقلاب زن زندگی آزادی و متحد کننده صف انقلاب است. کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به شما درود میفرستد و همه کارگران و همه مردم را به اتحاد حول آن فرا میخواند.

ما همچنین درود میفرستیم به شما کارگران نفت که در همان آغاز فوران انقلاب با فریاد مرگ بر دیکتاتور با اعتراضات مردمی در کف خیابان همراهی کردید و طی این یکسال نیز آرام و قرار نداشتید. در این مدت شما کارگران پروژه ای و رسمی همصدا با هم همواره بر خواست های بر حق خود و خواست های انقلابی همه مردم پای فشردید و به مبارزه در سطوح مختلف ادامه دادید. و هم اکنون اعلام دوشنبه های اعتراضی از

شما کارگران و تشکل های مختلف کارگری با منشورها و بیانیه های خود در مناسبت های مختلف و ابراز وجود سیاسی تان نقش مهمی در تعمیق و اعلام خواستها و اهداف انقلاب داشته اید. یک نمونه برجسته و ماندگار آن منشور دوازده بندی خواست های حداقلی است که با امضای بیست تشکل از معلمان و تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی منتشر شد. منشوری که مانیفست انقلاب زن زندگی آزادی و متحد کننده صف انقلاب است. کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به شما درود میفرستد و همه کارگران و همه مردم را به اتحاد حول آن فرا میخواند.

ما همچنین درود میفرستیم به شما کارگران نفت که در همان آغاز فوران انقلاب با فریاد مرگ بر دیکتاتور با اعتراضات مردمی در کف خیابان همراهی کردید و طی این یکسال نیز آرام و قرار نداشتید. در این مدت شما کارگران پروژه ای و رسمی همصدا با هم همواره بر خواست های بر حق خود و خواست های انقلابی همه مردم پای فشردید و به مبارزه در سطوح مختلف ادامه دادید. و هم اکنون اعلام دوشنبه های اعتراضی از

ادامه اعتصاب کارگران آلومینیوم سازی اراک (ایراکو)

۴۰۰۰ کارگر آلومینیوم سازی اراک (ایراکو) به اعتصاب خود ادامه میدهند. اعتصاب این کارگران با خواست افزایش حقوقها و در اعتراض به گرانیها و چپاولگریهای سهامداران شرکت ادامه دارد. همانطور که قبلا گزارش کردیم این اعتصاب ابتدا از شیفت شب آغاز شد و سپس بدنبال جلسه مدیریت با نمایندگان از کارگران و عدم پاسخگویی آنها به خواست کارگران از روز هشتم مهر ماه تمام ۴۰۰۰ کارگر در سه شیفت این کارخانه وارد اعتصاب شدند. در گزارش قبلی از استعفا میراشرفی مدیریت شرکت در زیر فشار اعتصاب کارگران گزارش کردیم که هیات مدیره با استعفا او موافقت نکرد. در آخرین خبرهای دریافت شده گزارش میشود که



اعتصاب کارگران آلومینیوم سازی ادامه دارد و کارگران هر روز ساعت سه بعد از ظهر جلوی ساختمان ستاره که ساختمان مدیریت است تجمع کرده و پیگیر خواستهایشان هستند.

یک کمبود اعتراضات این کارگران عدم اطلاع رسانی از اخبار هر روزه این حرکت است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از اعتراضات و خواست های این کارگران توجه فعالین کارگری در این کارخانه را به تلاش برای رفع این کمبود و جلب همبستگی هر چه بیشتر کارگران دیگر کارخانجات در شهر اراک و حمایت های مردمی فرا میخواند. حزب همچنین بر اتکاء کارگران به مجمع عمومی خود و تصمیم گیری های جمعی به عنوان راهی برای حفظ اتحاد صفوف مبارزاتی شان و شرکت خانواده ها در تجمعات اعتراضی کارگران تاکید دارد.



تهران گرامی داشت "روز جهانی معلم"
از سوی کانون صنفی معلمان تهران، روز ۱۴ مهر

فراخوان حزب کمونیست کارگری در مورد تبلیغات فاشیستی علیه مهاجرین افغانستانی

مردم بپاخاسته ایران

در روزهای گذشته تبلیغات فاشیستی گسترده‌ای علیه مهاجرین افغانستانی در ایران به راه افتاده است. این حمله‌ای کثیف و ضد انسانی به میلیون‌ها مهاجر ستم‌کشیده افغانستانی از یک طرف و از طرف دیگر حمله‌ای به انقلاب، منحرف کردن اذهان مردم از انقلاب و به جان هم انداختن مردم است. با تمام قوا باید در مقابل آن ایستاد و این توطئه خطرناک و غیر انسانی را در نطفه خفه کرد.

نیروهای راسیستی در همه جای دنیا مشکلات نظام غیر انسانی سرمایه‌داری، بیکاری و کمبود مسکن و خشونت‌های ذاتی نظام خود را به گردن خارجیان می‌اندازند و با چاشنی انواع دروغ، تهمت، بزرگمایی، ارائه آمارهای غیر واقعی، وارونه جلوه دادن حقایق، بخشی از جامعه را به جان بخش دیگر می‌اندازند تا جا پای خود را سفت کنند و دست راستی‌ترین و ضد مردمی‌ترین سیاست‌ها را علیه اکثریت مردم زحمتکش به خورد جامعه بدهند.

در ایران این راسیسم صدمبار غیر انسانی‌تر و سیستماتیک‌تر مستقیماً توسط خود حکومت اسلامی نمایندگی میشود. این سیاست حکومت در تمام دوران حاکمیتش بوده است. اما حجم وسیع تبلیغاتی که در روزهای اخیر علیه مهاجرین افغانستانی، به شیوه عجیب و به یکباره شروع شده هدف مشخصی را تعقیب میکند: ضربه زدن به انقلاب، منحرف کردن اذهان مردم، برداشتن فشار جامعه از روی حکومت و انداختن جامعه به جان بخش محروم دیگری از جامعه تا انقلاب را خفه کنند و خود را از بحران انقلاب نجات دهند. اطاق فکر رژیم یکباره راه حلی پیدا کرده و دشمن تازه‌ای را به مردم معرفی میکند تا خود را از مخمصه نجات دهد. رسانه‌ها و مقامات حکومت به دو شکل علیه مهاجرین افغانستانی به نفرت‌پراکنی مشغول شده‌اند. بخشی از رسانه‌ها و مقامات در لباس دفاع از افغانستانی‌ها تحت عنوان برادران مسلمان ظاهر شده‌اند تا علیه مردم بپاخاسته رجزخوانی کنند و افغانستانی‌ها را که بدست دو رژیم اسلامی از همه چیز محروم شده‌اند حامی خود جلوه دهند و بخش دیگری از مقامات و رسانه‌ها مستقیماً علیه مهاجرین افغانستانی تبلیغ میکنند و با وقاحت محروم‌ترین بخش جامعه را که شدیداً توسط مفتخوران حاکم استثمار میشوند و از هر حق و حقوقی محرومند به باد حمله گرفته و آنها را مسبب مشکلات جامعه معرفی میکنند. هر دو سیاست که ظاهر متفاوتی دارند، یک هدف واحد را دنبال میکنند: تلاش برای ایجاد نفرت علیه مهاجرین، معرفی یک دشمن غیر واقعی به مردم و از این طریق تلاش برای نجات خود حکومت.

ناسیونالیسم ایرانی و مشخصاً طیف سلطنت طلب نیز با خارجی ستیزی و تعصبات ارتجاعی ناسیونالیستی با جمهوری اسلامی همسو شده و ابعاد وسیعتری به این هجوم تبلیغاتی علیه افغانستانی‌ها داده‌اند. گویی مسبب خرابی جامعه نه حاکمیت ۴۴ ساله حکومت اسلامی بلکه انسان‌هایی هستند که جز تحقیر و استثمار شدید و بی‌حقوقی کامل نصیبی از زندگی نبرده‌اند.

خوشبختانه بخش وسیعی از جامعه با برخوردی انسانی به مهاجرین افغانستانی، اهداف پشت این توطئه را بخوبی میشناسد و تلاش وسیعی را برای آگاه کردن عده‌ای از مردم که بدام این تبلیغات افتاده‌اند شروع کرده است. جدالی که تلاش میکند تا تبلیغات حکومت و ناسیونالیسم نژادپرست ایرانی را افشا کند و با متحد کردن مردم محروم و زحمتکش مهاجر و غیر مهاجر صف انقلاب علیه جمهوری اسلامی را متحد و تقویت کند.

حزب کمونیست کارگری به مردمی که فریب این تبلیغات را خورده‌اند و در دام حکومت و راسیست‌های ایرانی افتاده‌اند هشدار میدهد. حزب فعالین و تشکل‌های



از غوغا تابان باید آموخت - شهلا دانشفر

به دنبال انتشار ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی در سوم مهر ماه که از "سپل مهاجرین افغانستانی" به ایران خبر میداد، موج تبلیغاتی کثیفی علیه میلیون‌ها مهاجر ستم‌کشیده افغانستانی شروع شد. تکانه‌دهنده ترینش در شهر اقبالیه قزوین با حمله به مناطق افغانستان نشین و شعارهای فاشیستی علیه آنان بود. جالب اینجاست که هنگام این حملات خبری از سرکوبگران حکومت نبود، اما شامگاه جمعه علی ابراهیمی فرمانده انتظامی قزوین حملات را کار "افراد خودسر" خواند و از بازداشت نوزده نفر خبر داد. توطئه‌ای خطرناک و جنایتکارانه که فقط از مخیله آدمکشانی چون سران جمهوری اسلامی میتواند بیرون زند. توطئه‌ای برای به انحراف کشاندن انقلاب و به جان هم انداختن مردم.

در برابر این توطئه کثیف فاشیستی، انقلاب زن زندگی آزادی به دفاع از خود برخاسته است. در دل چنین شرایطی غوغا تابان خواننده افغانستانی ضمن انتشار ترانه اش خطاب به مردمی که خالق انقلاب زن زندگی آزادی هستند، مینویسد: "ما به قامت بلند آن "نه" که تو گفتی می‌بالیم. ما دشمن یک‌دیگر نیستیم. ما دشمن هم نبوده‌ایم و نیستیم و نخواهیم بود. ما قربانیان دردهای مشترکیم. من و تو و ما عزیزان همدیگر هستیم. تو پاره‌ی تن منی. ما یکی هستیم." این گفته‌ها بازتاب وسیعی پیدا کرد. همچنین مردم با کارزار هایشان با این توطئه حکومت و ناسیونالیسم عظیم طلب فارس و مشخصاً طیف سلطنت طلب که همسو با جمهوری اسلامی شده‌اند به مقابله برخاستند. از جمله کارزار اجتماعی "از مهاجرین افغانستانی حمایت میکنیم" با هشتگ "من هم افغانستانی هستم" به سرعت در مدیای اجتماعی گسترش یافت.

در برابر این توحش فاشیستی ما اعلام میکنیم که مسبب این همه فقر و استثمار و بردگی چهل و چهار ساله حاکمیت این رژیم وحشی و جنایتکار است و مردم اجازه نمیدهند که چهره انسانی و زیبای انقلاب زن زندگی آزادی کدر شود. ما مردم انساندوست و برابری طلب با تمام قوا این توطئه خطرناک و غیر انسانی حکومت اسلامی را درهم خواهیم شکست. (مندرج در ژورنال شماره ۵۴۳)

کارگری و مردمی را به ورود هر چه فعال‌تر به این جدال سیاسی و اجتماعی برای خنثی کردن تبلیغات راسیستی و ضربه زدن به انقلاب و همزمان دفاع از حق کار و تحصیل و شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و جلب هر چه بیشتر آنها به صفوف انقلاب فرامیخواند. هرچه این صف گسترده‌تر و قدرتمندتر عمل کند به اتحاد صفوف بخش‌های مختلف مردم اعم از مهاجر و غیر مهاجر و به تحکیم صفوف انقلاب کمک بیشتری خواهد کرد.

جمهوری اسلامی و راسیست‌های ایرانی در این جدال نیز بازنده خواهند بود و جبهه انقلاب متحدتر، آگاهتر و مصمم‌تر این حمله‌های اسلامی و ناسیونالیستی را پشت سر خواهد گذاشت و به راه خود برای سرنگونی دشمن همه مردم زحمتکش و ستم‌دیده خواهد داد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۱ مهر ۱۴۰۲، ۳ اکتبر ۲۰۲۳

پویان پیروز

برنامه توسعه هفتم باعث نجات حکومت نخواهد شد



لایحه برنامه هفتم توسعه که خرداد ماه ۱۴۰۲ در دولت به تصویب رسیده است، به مانند سایر لوایح، طرح ها و قوانین مصوب در جمهوری اسلامی، تلاشی است هم برای برون رفت مقطعی و موقت حکومت از آشفتگی ها و بحران های اقتصادی موجود و هم تلاشی برای زمین گیر کردن بیشتر توده های مزدبگیر در گرداب فقر، فلاکت و مشکلات معیشتی. با این تعرض آشکار معیشتی حکومت میکوشد مثل همیشه بار بحران خود را بر دوش گروهبایی مزدبگیر و توده مردم بیندازد و با تشدید خطر اخراج بر بالای سر کارگران از قدرت اعتراض و اعتصابات آنان بکاهد.

قبل تر و در شماره ۷۸۱ این نشریه در نوشتاری تحت عنوان "برنامه توسعه هفتم، تیغ تیزی بر گلو کارگر" به وجوهی از مفاد این برنامه تماما ضد کارگری اشاره شد. اما از آن جا که یورش علیه زندگی و معیشت کارگران و دیگر مزدبگیران جامعه با قدرت و سرعت هر چه بیشتر از سوی حکومت حامی بربریت سرمایه در حال شدت گرفتن است، لازم است یک بار دیگر نگاهی به مواد و تبصره های آن بیندازیم تا بهتر متوجه شویم که یک سیاست دیگر حاکمیت این است که کارگر را مجبور به نبرد همزمان در چندین جبهه کند. و بدین ترتیب به خیال خویش در جنگی فرسایشی و طولانی، نیروی اعتراض و سازماندهی کارگر را تضعیف و شکننده نماید. اما قبل از آن بد نیست مروری کوتاه بر برنامه های قبلی موسوم به توسعه (برنامه اول تا ششم) داشته باشیم و مسیر تلاشهای حکومت برای کاهش هر چه بیشتر امنیت شغلی و معیشتی کارگران و مزد بگیران را تا به امروز دنبال کنیم.

از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ دو برنامه توسعه اول و دوم به اجرا درآمد. محورهای اصلی این دو برنامه بر تعدیل اقتصادی، افزایش قراردادهای موقت، کاهش توان چانه زنی کارگران و افزایش اختیار کارفرمایان استوار بود.

برنامه سوم توسعه از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ اجرا شد. در فاصله این سالها مواد و بندهایی از قانون بی خاصیت کار بازم به نفع کارفرمایان و دولت تغییر کرد و همچنین طرح اشتغال موقت بیکاران مصوب و اجرایی شد. بر اساس ماده واحده این طرح از تاریخ تصویب آن تا پایان برنامه چهارم توسعه کارفرمایان از اجرای بندهای قانون کار معاف شدند. به این معنا که این طرح به کارفرمایان اختیار قانونی می داد تا هرگونه که خواستند با کارگران رفتار کنند.

تصویب برنامه سوم در مجلس، با اعتراضات گسترده ای از سوی تشکل ها و نهادهای مستقل کارگری مواجه شد.

سالهای ۱۳۸۴ تا ۸۸ نیز اجرای برنامه توسعه چهارم کلید خورد. در این برنامه برای مشروعیت بخشیدن به تهاجم همه جانبه به زندگی و معیشت کارگران، طرح فریبکارانه سه جانبه گرایی در تعیین مزد و در قانون تامین اجتماعی کلید خورد. نمایشی مضحک با برگزاری جلساتی که دو ضلع اصلی آن شرکای اصلی یعنی دولت و کارفرما هستند و ضلع سوم را دست چین شدگانی از تشکل های دولت ساخته تشکیل میدهند که به ادعان خودشان نه قدرت چانه زنی دارند و نه توانی برای دخالت در تصمیم گیری ها.

برنامه پنجم در فاصله سالهای ۱۳۹۰ تا ۹۴ به اجرا درآمد. تدوین سند ملی کار شایسته، اصلاح مواد دیگری از قانون کار به نفع کارفرمایان و بازنشستگی و طرح ادغام سازمان تامین اجتماعی در بیمه سلامت، از جمله رئوس این برنامه بود.

طرح سند ملی کار شایسته در حقیقت چیزی نبود جز برنامه ای برای تعیین تعرفه ترجیحی و تجارت آزاد که سود بیشتری را برای تولید کنندگان کالاها صادراتی تضمین می کرد و در واقع فقط برنامه ای بود که در چارچوب قانون و به نام ایجاد و توسعه اشتغال پایدار، امکان غارت منابع مالی بانک ها و رانت های بی حد و حصر

برای بازوهای اقتصادی حکومت نظیر سپاه، بنیادهای مالی و اقتصادی تحت مالکیت خامنه ای و بنگاههای خصوصی متعلق به سران حکومت و نزدیکانشان فراهم می آورد.

برنامه ششم در سال ۱۳۹۶ اجرایی شد و تا سال ۱۴۰۰ ادامه داشت. حذف ارز ترجیحی، یارانه زدایی از اقلام ضروری و مورد نیاز مردم، افزایش تعرفه حامل های انرژی، تغییر ساختار مالیاتی و تغییر قوانین کار و بازنشستگی، از جمله اهداف محوری اصلی این برنامه بود.

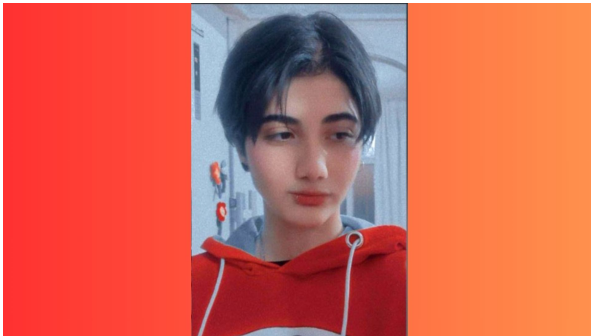
و دست آخر برنامه هفتم توسعه که با تصویب و اجرای این برنامه، فشار مالیاتی بر طبقات کم درآمد و عامه مردم افزایش می یابد و علاوه بر آن بی تامینی و بی حقوقی کارگران را نیز شدت خواهد بخشید.

در ماده ۱۵ برنامه هفتم توسعه در مورد پرداخت نصف حقوق به کارگرانی که تازه وارد بازار کار می شوند و پرداخت بیمه نسبت به میزان حقوق پرداختی صحبت شده است. به این معنا که به کارفرما اجازه داده شده است، در سه سال اول ابتدای اشتغال افراد، یک دوم حداقل دستمزد مصوب را پرداخت و هر زمان که کارفرما اراده کرد میتواند اقدام به لغو یک طرفه قرارداد کند و در حقیقت راه برای "اخراج قانونی" کارگران با این ماده باز شده است.

در ماده ۱۶ این لایحه هم تاکید شده که به کارفرمایان اجازه داده می شود "به افراد با شرایط خاص که تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی هستند، کمتر از حداقل دستمزد مصوب سال" پرداخت کنند. همچنین کارفرما می تواند با تغییر حرفه کارگری که سالها در یک بخش کار می کرده، او را مشمول "استاد شاگردی" کرده و حقوق وی و زمان سابقه بیمه تامین اجتماعی اش را به نصف تقلیل دهد و یا اصلا او را اخراج کند.

در ماده ۶۶ و ۶۷ برنامه هفتم توسعه سعی شده با تغییراتی از صندوق تامین اجتماعی که در شرایط ورشکستگی است، به اصطلاح حمایت شود و به دلیل مشکلاتی که صندوق های بازنشستگی دارند، قصد دارند سن بازنشستگی را افزایش دهند و تغییراتی در فرمول نوع تخصیص حقوق بازنشستگی ایجاد کنند. در واقع این برنامه راه حل خلاصی از بحران صندوق های بازنشستگی را در سخت تر کردن شرایط برای بیمه شدگان جسته است و برای تامین منابع به سراغ افزایش سن و سابقه بازنشستگی رفته است.

بر این اساس مقرر است سن و سابقه قابل قبول در تمامی حالات احراز شرایط بازنشستگی در کلیه سازمان ها و صندوق های بازنشستگی در طول برنامه هفتم به ازای هر سال شش ماه افزایش یابد و همچنین ایجاد تغییراتی در مشاغل سخت و زیان آور مدنظر است که حداقل سن لازم برای بازنشستگی سخت و زیان آور ۵۳



به جنایت علیه آرمیتا اعتراض کنیم!

از روز یکشنبه نهم مهر که حجاب بان جمهوری اسلامی در مترو شهدای تهران آرمیتا گراوند شانزده ساله را چنان مورد ضرب و شتم قرار داد که او به کما رفت، نامش چند صد هزار بار در شبکه های اجتماعی آورده شده و به صدر خبرهای بسیاری از رسانه ها در اقصا نقاط جهان کشیده شده است. همه با نگرانی سرنوشت او را دنبال می کنند.

جمهوری اسلامی که به خوبی می داند چه جنایتی مرتکب شده و مردم را بشدت منقلب کرده است، به گرد آرمیتا گراوند یک حصار امنیتی و نظامی کشیده است. غافل از اینکه هیچ چیز از چشمان مردم پنهان نمی ماند. آرمیتا را به بیمارستان نظامی فجر در تهران منتقل کردند. پدر و مادرش تنها یک بار توانستند از پشت شیشه او را ببینند. رژیم تبهکار اسلامی در نمایشی تهوع آور که تنها ترس و وحشتش از تحرک دوباره مردم در اعتراض به این جنایت تازه را عریان می سازد، زبوانه تلاش کرد به مردم بگوید که ضرب و شتمی در کار نبود. که گویا "فشار خون آرمیتا دچار افت شده و به زمین خورده است!" پدر و مادر آرمیتا را در حالیکه عمیقا نگران وضعیت آرمیتای عزیزشان بودند، مورد تهدید و فشار روحی و روانی قرار دادند و وادار کردند که روایت رژیم را تصدیق کنند. فیلم مقطعی از ماجرا هم منتشر کردند و حتی به سراغ دوتن از همکلاسی های آرمیتا رفتند تا به زور از زبان آنها دروغ بیرون بکشند. خبرنگار روزنامه شرق را هم که برای تهیه خبر به بیمارستان رفته بود بازداشت کردند. مقابل بیمارستان فجر را نیز امنیتی کردند تا تجمع مقابل بیمارستان کسری تکرار نشود. جنایت پشت جنایت اما وحشت زده از عکس العمل مردم.

این ترفندها را مردم می شناسند. شاهدان عینی بلافاصله حقیقت ماجرا را در مدیای اجتماعی به گوش همه مردم رساندند و خبر بسرعت به سراسر جهان رسید. حالا دو تن از شاهدین عینی به روزنامه گاردین هم گفته اند که یک حجاب بان جمهوری اسلامی آرمیتا را به دلیل بی حجابی مورد ضرب و شتم قرار داده و دلیل به کما رفتن وی همین بوده است.

یکی از این شاهدان عینی گفته است که یک فاطمه کماندوی چادر به سر رژیم

به آرمیتا عربده میزند "که چرا حجاب نداری؟" و آرمیتا پاسخ می دهد: "مگر من به تو می گویم چرا چادرت را برنمی داری؟" و مزدور اسلامی وقتی حاضر جوابی و شجاعت این دختر جوان را می بیند به او حمله ور میشود.

آرمیتا تا آخرین لحظه قبل از جنایت رژیم که منجر به کما رفتن وی شد ساکت نماند و حالا نوبت ماست که خشم و اعتراض خود را نسبت به این جنایت و ظلم و بیرحمی نسبت به خانواده او فریاد بزنیم. رژیم از تحرک دوباره مردم در خیابانها در اعتراض به این جنایت بشدت بیمناک است. بگذار با اعتراضات وسیع و گسترده خود این ترس و نگرانی رژیم را به واقعیت تبدیل کنیم. جمهوری اسلامی باید بداند که هر جنایتش با پاسخ قاطعانه مردم روبرو خواهد شد. لازم است همه بخشهای جامعه با دست زدن به اعتراض و برپایی تجمع، با پرفورمنس های خیابانی و شعارنویسی و شعاردی و بیانیه و هر اقدام دیگری که ممکن است، نسبت به این جنایت اعتراض کنند. ما دستهای بهم بافته شده مان را به نشانه اتحاد بالا خواهیم برد و به خاطر آرمیتا و خانواده اش و بخاطر آرمیتاها و به کرسی نشاندن حق و حقوق زنان به انقلابمان ادامه خواهیم داد تا کل جامعه را از چنگال این حکومت وحشی رها سازیم.

برای آرمیتای عزیزمان صمیمانه آرزوی بهبودی داریم و خانواده نگران او را در آغوش میگیریم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهر ۱۴۰۲، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۳

حقیقت جمهوری اسلامی برای بقای خود انتخاب دیگری ندارد. اما از این نکته غافل است که گروه های مختلف مزدبگیر اعم از کارگران، معلمان، کارکنان و بازنشستگان هم، در مقابل انتخاب و راهی جز ادامه جدال برای زندگی و زنده ماندن و گرفتن سهم و حقتشان ندارند و اعتراضات همیشگی، مداوم و گسترده آنها نشان دهنده این است که جامعه بیش از این فلاکت تحمیل شده را بر نمی تابد و برای تغییر وضع موجود بنا دارد تاریخ حکومت پلید و کثیف اسلامی را از زمین درآورد. اجرای برنامه هفتم توسعه نه تنها باعث نجات حکومت نخواهد شد بلکه بی تردید بحران های موجود را عمیق تر و به بالاترین حد ممکن خواهد رساند به گونه ای که گروه های بیشتری را برای اعتراض و مبارزه به کف خیابان خواهد آورد.

مبارزه برای ریشه کردن کل بساط توحش و بردگی حاکم لازم است که مبارزات مطالباتی و معیشتی با مبارزات سیاسی پیوند بخورند. پایان دادن به عمر حکومت متوحش اسلامی با سازمان یابی، همبستگی و اتحاد کل بخشهای جامعه ممکن و شدنی است

اعتصابات سراسری یک گام مهم برای پیشروی انقلاب است.. شرایط پر التهاب مبارزه در جنبش کارگری و کل جامعه بستر مناسبی برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری است. ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات قدمی مهم برای تدارک چنین اعتراضاتی در سطح سراسری است. باید این شوراها را در همه جا شکل داد.

از صفحه ۴

برنامه توسعه هفتم ...

سال در نظر گرفته شده است.

از سوی دیگر در مورد صندوق های تامین اجتماعی که بحث بیمه اجباری کارگران و ۷ درصد سهم کارگر و ۲۳ درصد سهم کارفرما مدنظر است، صحبت از تغییراتی مبنی بر نصف شدن این سهم است. بدین گونه که کارگر پس از تصویب برنامه می بایست به جای ۷ درصد، ۱۵ درصد حق بیمه پرداخت نماید.

در این برنامه قرار است حقوق بازنشستگان با میانگین پنج سال آخر خدمت محاسبه شود در صورتی که نحوه محاسبه حقوق بازنشستگان در حال حاضر بر مبنای میانگین دو سال آخر خدمت است، این در حالی است که فرد در زمان بازنشستگی از مزایایی مانند اضافه کار و فوق العاده بهره وری و سایر مزایا محروم می شود و تصویب این قانون باعث می شود میزان حقوق دریافتی افراد در زمان بازنشستگی نسبت به زمان اشتغال نصف و حتی کمتر از نصف شود و در عین حال با توجه به تورم های روز افزون در شرایط کنونی، در نظر گرفتن میانگین پنج ساله برای بازنشستگان، حقوقشان را با کاهش چشمگیری روبه رو خواهد کرد.

حکومت در تلاش است تا آخرین منفذهای نفس کشیدن طبقه کارگر و همه جامعه را با تعرض به سفره معاش مردم و خشونت و سرکوب مسدود نماید. در



جنگ اسرائیل و نیروهای اسلامی، تماما جنگی علیه مردم است!

جمهوری اسلامی که خود در زمینه سازی و تدارک عملی این تهاجم و جنگ وحشیانه نقش داشته است، تلاش

میکند تا زیر سایه این جنگ اذهان را از بحران و درماندگی داخلی، و رسوائی و بی اعتباری منطقه ای و جهانی که انقلاب زن زندگی آزادی نصیبش ساخته منحرف کند و در منطقه نیز موقعیت از دست رفته خود را بازیابد.

همه این نیروهای قومی مذهبی از نفس لاینحل ماندن مساله فلسطین و ادامه جنگ و تخاصم بین "اعراب و اسرائیل" سود میجویند. امر اینان نه حل مساله فلسطین، بلکه نفس ادامه این جنگ و تخاصم است. راه حل انسانی و کاملا امکان پذیر مساله فلسطین به رسمیت شناسی دو دولت متساوی الحقوق فلسطینی و اسرائیلی است. راه حلی که با شعار به دریا ریختن اسرائیل و از سوی دیگر سرهم بندی کردن دولتهای "خودگردان" فلسطینی عملا تحت قیمومیت دولت اسرائیل، مداوما غیر ممکن تر و دور از دسترس تر میشود.

جهان متمدن باید علیه کل این جنگ و نیروهای ارتجاعی در هر دو سوی آن بپا خیزد. این جنگی است که می رود در اسرائیل و در منطقه و بویژه در نوار غزه حمام خون به پا کند. باید همه نیروهای مترقی و انساندوست و آزادیخواه جهان یک صدا و متحد خواهان قطع فوری این جنگ وحشیانه بشوند و بر راه حل انسانی مساله فلسطین پای فشارند. نجات جان هزاران بیگانه در اسرائیل و نوار غزه و کرانه باختری در گرو اقدام امروز مردم متمدن جهان است.

حزب کمونیست کارگری همه مردم ایران و جهان را به اعتراض همبسته و قدرتمند به این جنگ ویرانگر و بانیان جنایتکار آن با خواست قطع فوری جنگ فرا میخواند. در داخل کشور نیز باید در مقابل تبلیغات حکومت اسلامی در دفاع از جنگ و کشتار ایستاد و آنرا افشا کرد و اجازه نداد که حکومت که کمرش زیر فشار انقلاب زن زندگی آزادی خم شده است به کمک این فضای جنگی در منطقه کمر راست کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ مهر ۱۴۰۲، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳

تهاجم حماس به اسرائیل و عکس العمل دولت اسرائیل به این تهاجم شروع جنگی علیه مردم اسرائیل و مردم فلسطین است و روشن بود که ابعاد و دامنه وسیعتری پیدا خواهد کرد. همین امروز حزب الله لبنان نیز با حمله به مناطقی از اسرائیل وارد جنگ شده است و جنگ ابعاد وسیعتری بخود گرفته است. این جنگ تا همینجا حداقل ۵۰۰ کشته و هزاران مجروح و شماری اسیر جنگی داشته است که شمار زیادی از آنان شهروندان غیر نظامی هستند. این آغاز جنگی وحشیانه و خانمان برانداز است که در ادامه خود شمار بسیار بیشتری از مردم هر دو طرف را قربانی خواهد گرفت. این جنگی از هر دو سو تماما ارتجاعی و ضد مردمی است.

جریانات دست راستی اسرائیلی و نیروهای فاشیست اسلامی هر دو به فضای کشاکش و جنگ نیاز دارند چون موجودیت آنها به این کشاکش گره خورده است. جمهوری اسلامی یک پای این جنگ و بحران است و شدیداً به این جنگ و فضای جنگی برای منحرف کردن اذهان عمومی و فضای جامعه به سمت دیگری جز انقلاب و سرنگونی نیاز حیاتی دارد.

این جنگ باید از جانب همه نیروهای مترقی و آزادیخواه در سراسر جهان قویا محکوم شود. حماس یک نیروی ارتجاعی و تروریستی اسلامی است که از مساله مردم فلسطین و تراژدی آوارگان فلسطینی سرمایه ای برای قدرتگیری اسلام سیاسی زیر بیرق ضدیت ارتجاعی با آمریکا و اسرائیل ساخته است. حماس و حزب الله به جنبش اسلامی بغایت ارتجاعی متعلقند که جمهوری اسلامی یک رکن مهم آنست. در سوی دیگر جنگ یکی از راست ترین و ارتجاعی ترین دولتهای اسرائیل قرار دارد که بیش از هر زمان ابتدائی ترین حقوق مردم فلسطین را نفی و انکار میکند.

بطور مشخص برای دولت بحراندازه نتانیاهو این جنگ مانده ای آسمانی است تا زیر پرچم مقابله با تروریستها اعتراضات داخلی را خفه کند و با دمیدن در احساسات مذهبی - ناسیونالیستی موقعیت خود را تثبیت نماید. در سوی دیگر این جنگ نیز احساسات ضد اسرائیلی مردم فلسطین دستمایه حماس و جمهوری اسلامی و حزب الله و کل نیروهای ضد انسانی جنبش اسلام سیاسی برای کشتاندن مردم ستمکش فلسطین زیر بیرق سیاه اسلام است. مشخصا جمهوری اسلامی که بعد از "پیمان ابراهیم" و نزدیکی بیشتر دولتهای اسرائیل و عربستان و امارات موقعیت منطقه ای خود را بیشتر در خطر میبیند، از این جنگ سود میجوید.

تجمعات بازنشستگان کشوری در سندنج و اهواز

روز ۱۱ مهر بازنشستگان کشوری شامل بازنشستگان و بخشهای دیگر کارکنان بازنشسته همچون سه شنبه های قبل و برای پیگیری خواستههایشان در شهرهای سندنج و اهواز دست به تجمع زدند.

در اهواز سیامک چهارازی از معلمان معترض سخنرانی کرد. او با تاکید بر شعار "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم" بر ادامه مبارزات بازنشستگان تاکید کرد. در این تجمع ببری با نوشته "معلم زندانی آزاد باید گردد" توجه ها را جلب میکرد و چهارازی در سخنان خود انتظاراتش را از معلمان شاغل برای پیگیری خواستههایشان مطرح کرد.

اکنون بخش های مختلف بازنشستگان از جمله بازنشستگان تامين

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



اجتماعی، مخابرات، فولاد، نفت و کشوری در اعتراض به اختلاسها و وخیم تر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی خود و پاسخ نگرافتن مطالباتشان در اعتراضند و روزهای

مختلف هفته را به اعتراض خود اختصاص داده اند. "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی اتحاد اتحاد"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" که از سوی بازنشستگان سر داده میشود فراخوانی به اتحاد مبارزاتی ۲۵ میلیون بازنشسته در سطح سراسری و اتحاد جمعیت میلیونی کارگری در سطح جامعه و همه مردم علیه فقر و فساد است. این شعارها را باید همه جا تکتیر کرد و بسوی تجمعات سراسری بزرگ کارگری خیز برداشت.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مهر ۱۴۰۲، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳

کارگران رسمی نفت وارد مرحله ای جدید از اعتراض به وضعیت معیشتی خود می شوند

مهران محبی



روز دهم مهر کارگران رسمی نفت بر روی چند سکوی نفتی در خلیج فارس برای چندمین بار دست از کار کشیدند و به طرح محدودیت سقف حقوق برای کارگران اعتراض کردند. این کارگران در تجمعات روز دهم مهر خود اعلام کردند که تا پاسخگو کردن مسئولان و تحقق مطالباتشان روزهای دوشنبه هر هفته را به دوشنبه های اعتراضی تبدیل خواهند کرد.

این تصمیم کارگران رسمی نفت، یک تصمیم به جا و رو به جلو است. برای رسیدن به هر خواست و مطالبه ای هیچ راهی غیر از سراسری کردن، عمومی کردن و سازمانیافته تر کردن اعتراضات در برابر حکومت نیست. این سنت مترقی امروز در ایران جا افتاده است. سالهاست که معلمان و بازنشستگان این روش از مبارزه را بکار گرفته اند و در عین حال که بر قدرت و وسعت اعتراضات خود افزوده اند، حمایت ها و توجهات عمومی اعتراضی در سطح جامعه را هم به خود جلب کرده اند. و در نتیجه حکومت را تحت فشار قرار داده اند. خوشبختانه حالا کارگران رسمی نفت نیز به این ضرورت پی برده اند و می روند تا اعتراضات پراکنده خود را هماهنگ، همبسته و قدرتمند کنند و با چنین اقدام شایسته و ضروری ای روح تازه ای به جنبش سراسری اعتراضی در متن انقلاب "زن، زندگی، آزادی" بدمند.

جمهوری اسلامی را باید با قدرت اتحاد و همستگی سراسری و عمومی به زانو در آورد و ناچار به عقب نشینی و تن دادن به خواستها و مطالبات همه بخشهای کارگران و کل مردم کرد. این نگاه عمومی و جنبشی، خوشبختانه در حال تکوین و تکامل و در حال کنار زدن نگرشهای تفرقه افکنانه و محدود نگرانه لایه های تنگ نظر است. تصمیم کارگران رسمی نفت مبنی بر تعیین دو شنبه هر هفته برای اعتراض و اعتصاب، گامی در راستای تقویت همین شیوه مدرن از مبارزه است.

صنعت نفت اصلی ترین و کلیدی ترین صنعت در میان عموم صنایع تولیدی و سودآور ایران است. جمهوری اسلامی تاب و توان و تحمل به اعتصاب کشیده شدن و توقف تولید در صنعت نفت و صنایع پائین دستی آن مانند پتروشیمی را ندارد. نمی تواند بدون دسترسی داشتن به پولهائی که از طریق فروش تولیدات نفتی، گازی و پتروشیمی (به هر طریق ممکن، چه رسمی و چه از طریق قاچاق) بخش مهمی از هزینه های سرپا نگذاشتن خود را تأمین کند. نفت برای جمهوری اسلامی، نقش شاهرگ و رگ گردن اقتصادی و کسب درآمد دارد. با پا گذاشتن بر روی گردن حکومت و انسداد شاهرگهای اقتصادیش، حکومت ناگزیر به تسلیم شدن و عقب نشستن در برابر خواستهای کارگران و کل مردم خواهد داد. به عبارت روشنتر

اعتصابات سراسری یک گام مهم در پیشروی انقلاب برای پایان دادن به بساط جهنمی جمهوری اسلامی است.

کارگران نفت که در جریان انقلاب ۵۷ علیه دیکتاتوری شاه به خاطر نقش تعیین کننده و تمام کننده انقلاب، لقب رهبر سر سخت گرفتند، امروز هم در متن انقلاب جاری همان موقعیت تعیین کننده را دارند و جامعه انقلابی منتظر به میدان آمدن متحدانه شان برای ایفای چنین نقشی هستند. عملی شدن تصمیم کارگران رسمی مبنی بر برگزاری اعتراضات و اعتصابات در دوشنبه ها، قدم اول و قدمی اساسی برای تبدیل شدن به رهبر اعتراضات کارگری و قرار گرفتن در پیشاپیش صف انقلاب است. عملی شدن این تصمیم کارگران رسمی نفت، به همه کارگران معترض در همه بخشها و صنایع دیگر راه نشان خواهد و روحیه خواهد بخشید. در شرایطی که مبلغ خط فقر در ماه به 30 میلیون تومان رسیده است و دریافتی اکثریت کارگران و مزدبگیران جامعه که اکثر قراردادی هستند بارها پائین تر است، با به میدان آمدن بخشهای رسمی در صنایع کلیدی ای مانند نفت اعتماد به نفس و احساس پشتگرمی و حمایت پیدا خواهند کرد و وسیعا به مبارزات و اعتراضات سراسری، هماهنگ و سازمانیافته خواهند پیوست.

علاوه بر این و مهمتر این است که اعتصابات و اعتراضات به اصطلاح صنفی و معیشتی خود را به اعتراضات عمومی علیه حکومت پیوند بزنیم. ما تجربه عقب نشستن رژیم گذشته در مقابل اعتصاب کارگران نفت را زمانی که به اعتراضات علیه حکومت و به انقلاب پیوند خوردند، داریم که چگونه حکومت فوری دست بکار افزایش چشمگیر حقوقها شد. حالا هم راه همان است. باید اعتراضات کارگری را با انقلاب پیوند بزنیم و باید قاطعانه از انقلاب دفاع کنیم تا به طور سراسری و با قدرت انقلاب جمهوری اسلامی را به فوریت ناچار به افزایش چشمگیر دستمزدها کنیم. راه سرنگونی را هموارتر کنیم و با پایان دادن به عمر ننگین ین حکومت و به آزادی، رفاه و امنیت و آسایش برسیم. زنده باد کارگر نفت ما، رهبر سرخت ما

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com



۱۰ مهر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در ۱۴ شهر

"تا حقمون نگیریم دوشنبه ها همینه"

کن، وعده ها را ادا کن"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "اجرای آئین نامه حق مسلم ماست"، "برای رفع تبعیض عدالت، عدالت".

همانطور که قبلا گزارش کردیم بازنشستگان مخابرات در تبریز نیز همزمان با سفر مدیرعامل و هیات مدیره شرکت به این شهر برای شرکت در جلسه افتتاح پروژه نجما، همراه با کارگران رسمی، شرکتی و بخش های مختلف شاغل این شرکت در روز هشتم مهرماه تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان با نشستن بر سر سفره ای خالی به نشانه اعتراض به وضع بد معیشتی خود و فریاد شعارهایشان صدای اعتراضشان را بلند کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ مهر ۱۴۰۲، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳

امروز دهم مهر ماه بازنشستگان مخابرات در شهرهای خرم آباد، اهواز، رشت، کرمانشاه، اصفهان، ساری، ارومیه، زنجان، تهران، اردبیل، اراک، سنندج، یاسوج و شیراز تجمع کردند. آنها هر دوشنبه دست به تجمع و اعتراض میزنند و اعتراض آنها به فقر و بی تامینی و عدم اجرای کامل آیین نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و مشکلات بیمه ای شان است.

در زنجان بازنشستگان با شعار حقوق شاغلین بموقع پرداخت باید گردد به همکاران شاغل خود اعلام حمایت کردند. در کرمانشاه بازنشستگان علیرغم باران شدید تجمع کردند و دست به راهپیمایی زدند و با شعارهای "نه گرما نه بارون نیست جلودارمون!" و "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن" فضای پرشوری از اعتراض برپا نمودند. در اهواز نیز بازنشستگان با راهپیمایی و سردادن شعار تا حق خود نگیریم دوشنبه ها همینه است بر تداوم اعتراضات خود تاکید کردند.

بازنشستگان در این تجمعات با شعار "شرکت پر درآمد چه بر سر تو آمد" اعتراض خود را به دزدیها و اختلاسها اعلام کردند. از جمله دیگر شعارهای بازنشستگان در این تجمعات عبارت بودند از: "هزینه های درمان، حق مسلم ماست"، "مخابرات حیا

دوشنبه های اعتراض در نفت

تجمع کارگران سکوی نفتی ابوذر، خارک، مسجد سلیمان



روز ۱۷ مهر کارگران رسمی نفت در سکوی نفتی ابوذر و منطقه خارک بنا به قرار از قبل تعیین شده و برای پیگیری خواستههایشان دست به تجمع زدند. در روز قبل نیز کارگران سکوی نفتی در مسجد سلیمان با مشارکت کارگران بخش های نظاره گری تجمع داشتند. این اعتراضات بخاطر سقف حقوق ناعادلانه، نحوه کسر غیرقانونی مالیات و محدودیت ۳۰ ساله سنوات بازنشستگی علیرغم سنوات خدمت بیشتر و بعضا کسورات بازنشستگی بیش از ۴۰ سال شکل گرفته است. کارگران سکوی نفتی اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند هر دوشنبه تجمع خواهند کرد.

فضای اعتراض در میان بخش های مختلف کارگران نفت بالاست. روزهای دوشنبه میتواند روز اتحاد مبارزاتی سراسری در نفت باشد. افزایش حقوقها و مقابله با تعرضات حکومت به زندگی و معیشت کارگران، برخورداری همه کارگران نفت از درمان رایگان با استاندارد بالا و قابل قبول، برجیده شدن بساط پیمانکاران مفتخور و دائمی شدن قراردادهای موقت، پرداخت فورا معوقات کارگران، ایمن شدن محیط های کار و بهبود شرایط کمپ ها و امکانات بهداشتی و زیستی کارگران در مراکز نفتی از جمله خواستههایی است که در اعتراضات بخش های مختلف نفت اعلام شده است. این خواستها میتواند حلقه اتصال اعتراضات بخش های مختلف نفت به یکدیگر باشد. ایجاد شورای سازماندهی اعتراضات کارگران رسمی نفت یک گام مهم در سازماندهی و خبررسانی مبارزات و اعتراضات این کارگران است و همچون

کارگران پیمانی و ارکان ثالث نفت باید این تشکلهای را ایجاد کرد.

در اعتراض امروز کارگران در سکوی نفتی ابوذر برخی عوامل هوادار یا وابسته به حکومت لحظاتی بتر حکومت اسلامی را در میان کارگران معترض بدست گرفتند. نباید به آنها اجازه یا میدان داد که دست به چنین تحرکاتی بزنند. پرچم جمهوری اسلامی پرچم خونین و ضد کارگری ارتجاع اسلامی است و هیچ ربطی به کارگر معترض ندارد و فضای اعتراضات را مسموم میکند و مانع حمایت سراسری از کارگران خواهد شد.

اعتراضات در نفت در دل شرایط ملتهد انقلابی جامعه بستر مناسبی برای شکل گرفتن اعتصابات سراسری کارگری است. از این اعتراضات باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ مهر ۱۴۰۲، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۳

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

**به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید!**

ادامه اعتصاب کارگران آلومینیوم اراک و تجمع کارگران سکوی نفتی در فلات قاره و نفت و گاز و پارس و مناطق نفت خیز جنوب



به گزارش این شورا همچنین در روز نهم مهر ماه گروهی از کارکنان مناطق نفتخیز جنوب، در اعتراض به سقف پایین دستمزد، عدم پرداخت کامل پاداش سنوات بازنشستگی و سایر مطالبات شان، مقابل بلوک دوم ساختمان ۵ طبقه مدیریت شرکت نفت در اهواز تجمع کردند. فضای اعتراضی در میان بخش های مختلف کارکنان نفت بالاست. عدم کفاف میزان دستمزدها متناسب با رشد روز افزون و سرسام آور قیمت ها یک موضوع مشترک اعتراضات در همه بخش های نفت و در سطح جامعه است. شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت الگوی مناسبی برای سازمانیابی بخش های مختلف کارگران در نفت و تدارک برای اعتصابات قدرتمند و سراسری کارگران در نفت است. این شوراها را در همه جا تکثیر کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مهر ۱۴۰۲، ۳ اکتبر ۲۰۲۳

همانطور که قبلا گزارش کردیم کارگران آلومینیوم سازی اراک (ایرالکو) با خواست افزایش حقوقها و در اعتراض به گرانیها و چپاولگریهای سهامداران شرکت دو هفته است در اعتصابند. این اعتصاب ابتدا از شیفت شب آغاز شد و سپس بدنبال جلسه مدیریت با نمایندگان از کارگران و عدم پاسخگویی آنها به خواست کارگران از روز هشتم مهر ماه تمام ۴۰۰۰ کارگر در سه شیفت این کارخانه وارد اعتصاب شدند. بنا بر آخرین خبر دریافتی زیر فشار اعتراضات کارگران میراشرفی مدیریت شرکت استعفا داد اما هیات مدیره با استعفا او موافقت نکرده است و اعتصاب کارگران آلومینیوم سازی همچنان ادامه دارد.

همانطور که قبلا اشاره کردیم عدم رسانه ای کردن خبر اعتصاب یک کمبود جدی است و توجه فعالین کارگری به این جنبه بسیار مهم است. با رسانه ای کردن وسیع اخبار اعتراضات این کارگران میتوان فضای امنیتی شرکت را در هم شکست. گزارشات دیگری از اعتراضات گسترده کارگران رسمی در نفت خبر میدهند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز دهم مهرماه کارکنان سکوی دریایی در ۲ شرکت فلات قاره ایران و نفت و گاز پارس در اعتراض به تعیین سقف پایین حقوقی و کاهش دستمزدهایشان بار دیگر تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی کارگران با دست نوشته هایی نسبت به این موضوع اعتراض خود را اعلام کردند. حرکت اعتراضی قبلی این کارگران در همین رابطه در سوم مهر ماه صورت گرفت. این کارگران دوشنبه های اعتراضی را تا پاسخ گویی به خواستههایشان اعلام کرده اند. و هر دوشنبه جمع خواهند شد.

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد و معلولین و اخباری دیگر

نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواستههایشان دست به تجمع زدند. درمان رایگان، همسانسازی حقوقها و افزایش سطح آنها، پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ از جمله خواستههای فوری آنهاست.

علاوه بر بازنشستگان امروز شانزدهم مهرماه معلولین نیز در اصفهان مقابل استانداری و در ساری، کرمانشاه، سنندج، تهران، اهواز، اردبیل مقابل بهزیستی تجمع کردند و اعتراض خود را علیه فقر و بی تامین و وضع وخیم معیشتی و درمانی شان اعلام داشتند.

خبر دیگر مربوط به تجمع اعتراضی کارکنان شرکت مخابرات در تهران و در استان های گیلان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد و شهرستان سقز در استان کردستان، در اعتراض به شرایط نامناسب کاری، سطح نازل حقوقها و عدم پرداخت آن و پرداخت ناقص حق بیمه شان است. این کارکنان از از نیروهای شسکام و پرسنل همراه اول (TCT) هستند.

آخرین خبر مربوط به حمله وحشیانه شیمیایی به دبیرستان دخترانه "عاشورا" در شهر قدس تهران و مسمومیت تعداد زیادی از دانش آموزان و انتقال آنها به مراکز درمانی است. با شروع سال تحصیل و آغاز دوباره حملات شیمیایی حکومت به مدارس، نگرانی ها شدت پیدا کرده است. با اعتراضی سراسری باید پاسخ دندان شکنی به جانپان اسلامی و توطئه گری هایشان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ مهر ۱۴۰۲، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳

روز ۱۶ مهر ماه بازنشستگان تامین اجتماعی همانند دیگر یکشنبه ها در شهرهای دزفول، کرمانشاه، شوش، کرخه، هفت تپه، اهواز، تجمع و اعتراض کردند.

در شوش مثل هفته های گذشته بازنشستگان از کرخه و شوش و هفت تپه گرد آمده بودند. در اراک بازنشستگان ضمن اعلام خواستههای اعتراضی خود در تجمعات بر تجمعات خود در هریکشنبه تاکید کردند. در اهواز بازنشستگان در میدان کارگر روبروی سازمان تامین تجمع داشتند و با سر دادن سرود «زیر بار ستم نمیکنیم زندگی» «کل بساط توحش حاکم را به چالش کشیده و آزادی را فریاد زدند.

در تجمعات بازنشستگان بزرگمایی با مضامین "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی، اتحاد اتحاد"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست" و "درمان رایگان" قابل توجه بود.

در این تجمعات بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "خواسته ما این زمان، معیشت است و درمان"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند"، "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته"، "فقط کف خیابان بدست میاد حقمان"، "گرانی تورم بالای جان مردم"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "خیلی دروغ شنیدیم، عدالتی ندیدیم"، "ما بازنشستگانیم خواهان همانیم"، "نگ ما، ننگ ما صدا و سیمای ما"، "از خوزستان تا گیلان مرگ بر این مدیران"، "تامینو غارت کردن ما را بیچاره کردن"، "کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "سفره بی نان ما چه میخواید از جان ما"، "ظلم و ستم کافی، سفره ما خالی"، "مجلس سرسپرده گرانی رو آورده"، "تورم اسفبار حاکم شده تو بازار"، و "حقوق بازنشسته فقط واسه یک هفته"، "تورم، گرانی، بالای جان مردم"، "اتحاد، اتحاد علیه فقر و فسا".

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد تهران نیز در تهران در اعتراض به وضعیت

پیام پلنوم ۵۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در حمایت از مهاجرین افغانستانی در ایران



این روزها شما مردم انساندوست و بپاخاسته ایران شاهد موج افغانستانی ستیزی و تشدید نژادپرستی و آزار و اذیت مهاجرین و پناهندگان شریفی هستید که در فرار از چنگال حکومت طالبان و جنگ و ناامنی از بد حادثه به دام جمهوری اسلامی ایران افتاده‌اند.

لجن پراکنی علیه پناهندگان یک سیاست هویتی و مسموم همه نژادپرستان و جریانات ارتجاعی ناسیونالیست و شوینیست است. دفاع از پناهندگان دفاع از انسانیت است. حمایت از مهاجرین بویژه در شرایط امروز ایران و جهان که میلیونها انسان ناچار به فرار از زادگاه و خانه و کاشانه خود میشوند تا از دست دیکتاتورهای نظیر حکومت اسلامی و طالبان و جنگ و ناامنی فرار کنند، یک امر حیاتی است. میلیونها نفر از مردم ایران نیز به همین دلیل از حکومت اسلامی فرار کرده‌اند و به کشورهای دیگری پناه برده‌اند.

جمهوری اسلامی طی تمام طول حیاتش یک سیاست کثیف، ضد انسانی و تحقیرآمیز و سرکوبگرانه و ازاری را علیه پناهندگان اعمال کرده و همیشه تلاش کرده است با تبلیغات علیه افغانستانی‌ها اذهان جامعه را از عامل اصلی مصائب که خود این حکومت و سیستم حاکم است دور کند. جریانات سلطنت طلب و ناسیونالیست همه جا بدرجات مختلف با این سیاست و جهت‌گیری متعفن حکومت همراهی کرده‌اند و همچنان همراهی میکنند.

امروز جمهوری اسلامی زیر فشار انقلاب و درممانده از مقابله با مردم بپاخاسته، مهاجرین افغانستانی را بیش‌ترانه هدف حملات بیشتری قرار داده است. تبلیغات مسموم این دوره علیه مهاجرین افغانستانی که توسط جمهوری اسلامی به شدت تشدید شده است، بطور مشخص به منظور نفرت پراکنی علیه افغانستانی‌ها و منحرف کردن اذهان مردم، برداشتن فشار جامعه از روی حکومت و به جان هم انداختن بخشهای مختلف مردم است. این توطئه‌ای علیه انقلاب زن زندگی آزادی است تا برای انقلابی که عمیقاً انسان محور است مانع ایجاد کند و برای خود زمان بخرد.

حزب کمونیست کارگری همه مردم را به دفاع از حقوق انسانی پناهندگان فرا

میخواند. پناهندگان باید از امنیت و حق شهروندی و کار و تحصیل برخوردار شوند. حزب به مردمی که فریب این تبلیغات را خورده‌اند و در دام توطئه حکومت و راسیست‌های ایرانی افتاده‌اند هشدار می‌دهد. این نفرت پراکنی و افغانستانی ستیزی، سناریوی مهندسی شده جمهوری اسلامی برای به جان هم انداختن مردم است. نباید فریب خورد. باید علیه این تبلیغات شوم قاطعانه به میدان آمد.

حزب فعالین و تشکل‌های کارگری و مردمی و همه انسان‌های شریف و آزاده را به مقابله هر چه فعال‌تر با این پروژه اسلامی راسیستی و همزمان دفاع از حق شهروندی برابر، حق کار و تحصیل برای مهاجرین افغانستانی و جلب هر چه بیشتر آنها به صفوف انقلاب فرامی‌خواند. پیوند میان همه مردم اعم از مهاجر و غیر مهاجر صف انقلاب را محکم تر و استوار تر خواهد ساخت.

با تمام قوا توطئه حکومت و تبلیغات راسیستی علیه مهاجرین محروم افغانستانی را که میان دو حکومت ضد بشری اسلامی گرفتار شده‌اند را در هم شکنیم و صفوف خود را یکپارچه تر سازیم. از مهاجرین و پناهندگان افغانی و غیر افغانی فعالانه دفاع کنیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مهر ۱۴۰۲، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳

تجمعات اعتراضی سراسری بازنشستگان مخابرات



حقوق نصفه نیمه، سکوت کنی همینه، "گشتی بازنشسته امروز به گل نشسته"، "مشکل بازنشسته پشت درهای بسته"، "نه سازش، نه تسلیم، اجرای آئین نامه"، و "مدیر بی لیاقت ننگت باد ننگت باد"، "برای رفع تبعیض بازنشسته به پا خیز"،

اعتراض این بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی و بساط دزد سالار حاکم و عدم اجرای کامل آیین نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و مشکلات بیمه‌ای شان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ مهر ۱۴۰۲، ۹ اکتبر ۲۰۲۳

امروز هفدهم مهر ماه بازنشستگان مخابرات همانند دوشنبه‌های هر هفته برای پیگیری مطالباتشان تجمعات سراسری برپا کردند. این تجمعات در شهرهایی چون کرمانشاه، ساری، گلزار رشت، اهواز، ایلام، خرم‌آباد، تهران، زنجان، اراک، سنندج، ارومیه و اردبیل برگزار شد. به گفته بازنشستگان هزینه‌های درمان آنها سه تا هفت برابر شده است و افزایش حداکثر ۲۵ درصد حقوقها در برابر خط فقر سی میلیون بر وخامت وضع معیشتی آنها شدت داده است. در این روز بازنشستگان در کرمانشاه در خیابانهای شهر با راهپیمایی و فریاد شعارهایشان فضای پر شوری از اعتراض ایجاد کردند. روز گذشته نیز در این شهر بازنشستگان تامين اجتماعي تجمع داشتند. در تهران بازنشستگان در مقابل مخابرات راهپیمایی کرده و شعار "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه" را سر دادند.

در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "اجرای آیین نامه حق مسلم ماست"، "فقط کف خیابان بدست میاد حقمان"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "از بس دروغ شنیدیم، یک روز خوش ندیدیم"، "مشکل بازنشسته تا کی میخواد حل بشه"،

کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده: سهیلا رضوانی

روز دوشنبه ۱۰ مهر ماه ۱۴۰۲

- کارکنان سکویهای دریایی در ۲ شرکت فلات قاره ایران و نفت و گاز پارس در اعتراض به کاهش سقف حقوقی خود و برای پیگیری دیگر مطالباتشان تجمع کردند. این کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی خواستههایشان پاسخ نگیرد هر دوشنبه تجمع خواهند داشت.

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های هر هفته در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواستههایشان تجمع و در برخی شهرها راهپیمایی داشتند. این اعتراضات در پانزده شهر در استانهای کرمانشاه، خوزستان، اصفهان، مازندران، لرستان، اردبیل، فارس، تهران، گیلان، آذربایجان غربی، استان مرکزی، زنجان، کردستان و همدان انجام گرفت.

- یک کارگر ساختمانی در شهرک ناز فردیس کرج در استان البرز، هنگام کار در یک مجتمع ساختمانی، بر اثر برخورد با کف چاهک آسانسور جان خود را از دست داد و قربانی نا امنی محیط کار شد.

روز سه شنبه ۱۱ مهر ماه ۱۴۰۲

- جمعی از بازنشستگان کشوری در شهرهای سنندج و اهواز در ادامه سه شنبه های اعتراضی، علیرغم تعطیلی رسمی و در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای همسان سازی حقوق، تورم و گرانی و رفع مشکلات بیمه درمانی و تکمیلی تجمع کردند.

- آرش جوهری، فعال کارگری که دوران محکومیت ۷ ساله خود را در زندان اوین سپری می کند با فشار و اعمال نظر بازجو برای دومین بار پیایی درخواست آزادی مشروط اش رد شده است.

- کارگران شهرداری منطقه چهار زاهدان که چندی پیش نسبت به پرداخت نشدن حقوق و حق بیمه اعتراض کرده بودند، از کار اخراج شدند. این اخراجها بر فضای اعتراض در میان کارگران شدت داده است.

روز چهارشنبه ۱۲ مهر ماه ۱۴۰۲

- گروهی از کارکنان قراردادی وزارت نفت اعم از قراردادیهای ملی حفاری و کارکنان پالایشگاه نفت آبادان در اعتراض به مطالبات ده ساله زمین مانده خود در مقابل ساختمان مدیریت شرکت مناطق نفتخیز جنوب در اهواز دست به تجمع و اعتراض زدند.

- جمعی از کارگران شاغل در پتروشیمی آبادان در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماهه دست مزد و تعطیلی کار در بخش هایی از این مجموعه و عدم رسیدگی به دیگر مشکلاتشان در مقابل درب این پتروشیمی تجمع کردند. در همین رابطه همزمان کارگران بخش اورهال این پتروشیمی نیز در اعتصاب بودند.

- یک کارگر ساختمانی، هنگام کار در طبقه دوم یک مجتمع ساختمانی در حوالی خیابان گلستان شش شهر یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد، بر اثر برخورد با کف چاهک آسانسور مصدوم شد. محیط های کار بخاطر نا امنی هر روز قربانی میگیرند.

- مرگ یک کارگر شاغل با هویت فتح الله حسنود حدودا ۳۵ ساله در معدن شن و ماسه «خرسدر» (به دلیل رعایت نشدن اصول ایمنی حین کار خبر می دهد.



- هیات تخلفات آموزش و پرورش گیلان حکم اخراج حسن نظریان از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان گیلان را صادر کرد. معلمان با کارزار مبارزاتی یکصد هزار امضا در مقابل سرکوبگریهای حکومت ایستاده و بر آزادی فوری همکاران زندانی و لغو احکام امنیتی و توقف اخراجها و دستگیریها تاکید دارند.

روز پنجشنبه ۱۳ مهر ماه ۱۴۰۲

- سه هزار کارگر قرقبان جنگل مازندران یک ماه و نیم است حقوق نگرفته اند. سیدعلی اکبر علوی نژاد، نماینده کارگران شرکت های تعاونی جنگل های نقی ده مزده میگوید: پرداخت حقوق حدود سه هزار کارگر قرقبان حفاظت از جنگل های مازندران که در قالب ۱۲ شرکت تعاونی مشغول کارند، از یک ماه و نیم پیش به تأخیر افتاده است. کارگران خواسته های پرداخت دستمزدهای معوقه خود هستند.

- اسماعیل عبدی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران پس از پایان زمان مرخصی به زندان کجویی کرج برگشت این در حالی است که با قبول اعاده دادرسی و نقض حکم از طرف دیوان عالی می بایست این معلم معترض تا صدور حکم با قید وثیقه آزاد گردد. اما قوه قضاییه و نهاد امنیتی با ادامه مرخصی وی موافقت نکرده است. اسماعیل عبدی و همه معلمان زندانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

- یکی از کارگران شاغل پتروشیمی شازند در اثر آتش گرفتن یک تریلی دچار سوختگی شدید شد.

روز جمعه ۱۴ مهر ماه ۱۴۰۲

- در اثر آتش سوزی در دو واحد تولیدی ۱۳ کارگر در شهرهای مشهد و بناب دچار مصدومیت شدند. در مشهد یک کارگاه مبل سازی در روستای «خلق آباد» آتش گرفت و بر اثر آن هفت کارگر مصدوم شدند. در حادثه دوم که بعد از ظهر ۱۳ مهر در کارخانه موتورسیکلت سازی بناب در استان آذربایجان شرقی رخ داد، شش کارگر مصدوم و به بیمارستان منتقل شدند.

روز شنبه ۱۵ مهر ماه ۱۴۰۲

- کارکنان شرکتی و قراردادی مخابرات ایران در استان های گیلان، فارس، تهران، کهگیلویه و بویراحمد و شهرستان سقز در استان کردستان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق هایشان و سطح نازل حقوقها و شرایط نامناسب کاری خود دست به برگزاری تجمع زدند.

- بر اثر انفجار یک بشکه در شهرک کارگاهی آباده، یک کارگر به شدت مصدوم شد.

نشانی خانه دزد را میدهند تا از دزدی در امان باشیم!



ترویج ناامیدی بر سر کارگر صف اتحاد ما را تضعیف کنید.

شما عوامل دولت ساخته منافعتان در امید به مسئولین و مدیران و پیمانکاران است. حال آنکه راه ما کارگران از شما عوامل خودفروخته جداست. ما مطالباتمان را از طریق مبارزاتمان محقق نموده، تعطیلی سود آوری نفت را با در پیش داشتن اعتصابات کارگری رقم خواهیم زد. همان سود هنگفتی که اساس قدرت حاکمان در اعمال استثمار و تبعیض نسبت به طبقه کارگر و سرکوب جامعه معترضی است که خواهان برچیدن کامل بساط ظلم و ستم و عقب ماندگی است!

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)
۱۵ مهرماه ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

پاسخ مطالبات صنفی ما کارگران ارکان ثالث، نیروهای پشتیبانی، اداری، خدماتی، رانندگان و همه کارگران تحت ستم و آسیب دیده از قوانین حامی پیمانکاران مفتخور و مدیریت فاسد نفت، ارجاعمان به مسئولین و مسببین اصلی و واقعی فقر و فلاکت ما کارگران و توده مردم نیست.

۴۵ سال است که انواع و اقسام بیحقوقی و بی تاملی در اشکال مختلفش به ما تحمیل شده و کسی جوابگو نیست. ما قاطعانه اعلام میکنیم که دیگر بس است، ما از خواستها و مطالباتمان کوتاه نمی آیم. دوره انتظار مرحمت از بالا به سرآمده و مدتهاست ما کارگران و مردم تحت ستم در ستیز و کشمکش دائمی با قوانین در خدمت سرمایه داری مرتجع و صاحبان قدرت و سرمایه ایستاده و ناکارآمدی مسئولین را فریاد میزنیم.

در همین راستا روی سخن ما با شما عوامل دولت ساخته و خود فروخته است که با بهره برداری از عنوان «اتحایه کارگری...!» «کماکان با معرفی و ارجاع کارگران ارکان ثالث نفت به دفاتر مسئولین و نمایندگان مجلس قصد دارید با اقدامات تکراری و عوامفریبانه امید واهی به قوانین و مجریان را زنده نگهدارید. چرا که منافع شخصی تان با منافع آنها پیوند خورده، دستتان در یک کاسه است، پای آنها ایستاده اید و بخاطر همین منافع است که در مقابل مطالبات ما کارگران و اعتراضاتمان ایستاده و همواره تلاشتان این بوده که در صفوف ما کارگران تفرقه ایجاد کنید و با کوبیدن چوب

بوراحمد و شهرستان سقز در استان کردستان، در اعتراض به شرایط نامناسب کاری، سطح نازل حقوقها و عدم پرداخت آن و پرداخت ناقص حق بیمه شان است. این کارکنان از از نیروهای شسکام و پرسنل همراه اول (TCT) هستند.

- یک کارگر ساختمانی ۴۰ ساله حین کار در یک پروژه ساختمانی در خیابان فتحی تهران از ارتفاع ۱۵ متری سقوط کرد و به شدت مصدوم شد. به گزارش سازمان آتش نشانی این کارگر ۴۰ ساله تبعه کشور افغانستان است. نا امنی محیط کار هر روزه قربانی میگیرد و در لیست قربانیان شمار کارگران افغانستانی که عمدتا در کارهای سخت به کار اشتغال دارند بالاست.

- در پی وقوع حادثه تصادف خودرو، اتوبوس حامل کارگران یک کارخانه در محور جاده ای باغشاد به سمت زرین شهر اصفهان با یک تریلی و یک سواری، یک نفر جان باخت و ۲۴ کارگر مصدوم شدند. جاده های نا امن و اتوبوسهای غیر استاندارد ایاب و ذهاب همواره برای کارگران خطر آفرین بوده و قربانیها گرفته است.



۸ اکتبر روز جهانی کودک

به یاد کودکان ونوجوانانی که در

جنس زن زندگی ازادی و توسط

حکومت به قتل رسیدند، کودکانی که زیر آوار خانه هایشان در #افغانستان مانده اند، کودکانی که به دست #حماسی ها و دولت #اسرائیل کشته می شوند.

کودکان بلوچستان همان کودکانی که ممکن است شناسنامه هم نداشته باشند، کودکان افغانی که اکثرشان در ایران حق ادامه تحصیل ندارند. امروز روز جهانی کودک است اما کودکان بسیاری از حق زندگی و شادی محرومند. روز جهانی کودک و کودکانی که در چنبره کودک همسری نیست و نابود می شوند. برچیده باد این ساختار - شورای بازنشستگان ایران، (از مدیای اجتماعی)

کارگران در هفته ای که گذشت... از صفحه ۱۱

علت حادثه انفجار وجود گاز مایع در مخزن حین جوشکاری اعلام شده است.

- منصوره عرفانیان از معلمان معترض در خراسان، توسط نیروهای سرکوب حکومت بازداشت و او به زندان منتقل گردید. جمهوری اسلامی از ترس سربلند کردند دوباره اعتراضات معلمان بر فشارهای امنیتی خود شدت داده است.

- رضا اقدسی از فعالین کارگری و کارگر اخراجی ایران خودرو که در اوایل آذرماه سال ۱۴۰۱ و همچنین در سال ۱۴۰۲ ۳ بار توسط نهادهای امنیتی احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود، دوباره برابر ابلاغیه صادره از شعبه سوم دادرسی اوین احضار شده است و باید خود را ظرف ۵ روز به این شعبه معرفی نماید.

روزیکشبه ۱۶ مهرماه ۱۴۰۲

- بازنشستگان تامین اجتماعی همانند دیگر یکشنبه ها در شهرهای دزفول، کرمانشاه، شوش، کرخه، هفت تپه و اهواز، در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواسته هایشان تجمعات اعتراضی پرشوری برپا کرده و در شهرهای راهپیمایی داشتند. در این روز بازنشستگان فولاد در تهران نیز همزمان مقابل صندوق بازنشستگی تجمع اعتراضی برپا کردند.

- معلولین در اصفهان مقابل استانداری و در ساری، کرمانشاه، سنندج، تهران، اهواز، اردبیل مقابل بهزیستی تجمع کردند و اعتراض خود را علیه فقر و بی تاملی و وضع وخیم معیشتی و درمانی شان اعلام داشتند.

- کارگران مشاغل سخت و زیان آور در اعتراض به برنامه توسعه هفتم حکومت که تعرضی آشکار به زندگی و معیشت آنها و کل کارگران است، بار دیگر مقابل تامین اجتماعی رشت دست به تجمع اعتراضی زدند.

- کارکنان شرکت مخابرات در تهران و در استان های گیلان، فارس، کهگیلویه و



خودداری نکرده‌اند. جمهوری اسلامی یک نمونه گویا و زنده در زمینه اعدام‌های سیاسی است که هزاران نفر را فقط در تابستان سال ۶۷ به دلایل سیاسی وحشیانه اعدام کرد. در سال‌های قبل و بعد از آن نیز هزاران نفر توسط این حکومت اعدام شدند. در همین خیزش اخیر زن زندگی آزادی حداقل ۴ نفر به جرم اعتراض اعدام

شدند و شمار بیشتری در سیستان و بلوچستان و اهواز در همین ماه‌ها و هفته‌های اخیر به جرم‌های سیاسی اعدام گردیدند. برای نمونه دو جوان در همین هفته جاری به جرم "سب‌النبی" یعنی توهین به پیغمبر اعدام شدند.

اما همه اعدام‌ها حتی آنها که ظاهراً غیرسیاسی به نظر می‌رسد، کاملاً سیاسی است. یعنی در خدمت حفظ حاکمیت است. برای ایجاد رعب و حفظ کنترل سیاسی بر مردم است. اما استدلال‌هایی که در دفاع از اعدام بکار می‌رود تا مردم را به قبول این مجازات شنیع و ضدانسانی قانع کنند ظاهر دیگری دارد. در کل چند گونه استدلال در دفاع از اعدام انجام می‌شود:

- ۱- اعدام برای پاک‌سازی و مصونیت جامعه
- ۲- اعدام ابزار کیفر مجرمین و اجرای عدالت
- ۳- اعدام به‌خاطر درس‌گیری و عبرت مردم

اینها مضامین اصلی بیشتر استدلالاتی است که در دفاع از مجازات اعدام مطرح می‌شود. استدلال‌های دیگری هم هست که به نحوی از همین سه نوع ناشی می‌شود. بگذارید یک‌یک اینها را بررسی کنیم:

۱- اعدام ابزار پاک‌سازی و مصونیت جامعه؟

گفته می‌شود که قاتل یا متجاوز و مجرم از میان برداشته می‌شود و جامعه امن‌تر و مصون‌تر می‌شود. بعلاوه می‌گویند اگر قاتل و متجاوز اعدام نشود ترس از جرم و جنایت کم می‌شود قتل و جنایت و تجاوز افزایش می‌یابد. هر دو جنبه این استدلال بی‌پایه و پوچ است.

چند سؤال در این رابطه مطرح می‌شود. اولین سؤال این است که به فرض این درست باشد، آیا راه دیگری جز کشتن افراد برای مصون داشتن جامعه وجود ندارد؟ آیا نمی‌شود کسی که به فرض مجرم خطرناکی هست را در محیطی جداگانه تحت کنترل داشت و تلاش کرد که اصلاح شود و به جامعه برگردد؟ (کلمه زندان را به کار نمی‌برم؛ چون زندان هم تاریخ و داستان خودش را دارد و بحث جداگانه‌ای لازم دارد). می‌گویند اولاً این هزینه‌بردار است و اعدام کم‌هزینه‌تر و سرراست‌تر است و ثانیاً کسی که خطرناک است ممکن است دوباره به جامعه برگردد و دست به اعمال جنائی بزند.

همه اینها جواب گرفته است. امروز ما تجربه ۱۵۵ کشور را داریم که اعدام را کنار گذاشته‌اند و جرم و جنایت نه فقط افزایش نیافته؛ بلکه کمتر شده است. با آمار و ارقام می‌شود نشان داد که اولاً امکان کنترل افراد خطرناک به‌ویژه در شرایط کنونی که ابزارهای پیشرفته‌ای ایجاد شده، کاملاً وجود دارد. ثانیاً این افراد در اکثر موارد اصلاح‌پذیرند و به‌عنوان انسان‌هایی نرمال می‌توانند به جامعه بازگردند. بعلاوه همیشه دادگاه‌ها در موارد بسیاری احکام اشتباه صادر می‌کنند و این نوع احکام اشتباه در مورد اعدام اشخاص فاجعه‌آمیز و غیرقابل برگشت و جبران است.

اما نکته‌ای که در مورد هزینه نگهداری زندانیان بکار می‌رود قابل مکتب بیشتری است. این حرف به این معناست که حتی اگر امکان این وجود داشته باشد که کسی

علیه مجازات اعدام - کاظم نیک‌خواه

اعدام شنیع‌ترین و وحشیانه‌ترین سنتی است که ریشه در دوران جاهلیت و توحش بشر دارد و بر دوش مذهب و سنت و به کمک حکومت‌ها و دیکتاتوری‌ها به دوران کنونی رسیده است. اعدام بی‌رحمانه‌ترین و بدترین نوع قتل است. قتل عمد و نقشه‌مند و برنامه‌ریزی شده دولتی است. برای گرفتن جان انسان‌ها، از قبل همه چیز را تدارک می‌بینند. قوانین، دادگاه‌ها، قضات، جلادان حرفه‌ای، و ابزارهای ویژه قتل را برای کشتن آدم‌ها آماده می‌کنند و انسان یا انسان‌هایی را با بی‌رحمی خونسردی تمام بعضاً در برابر چشم مردم به قتل می‌رسانند. کلمات از توصیف عمق و ابعاد کراهت و شناعة چنین جنایت ضدانسانی و وحشیانه و بی‌رحمانه‌ای به‌راستی عاجزند. به‌ویژه اگر توجه کنیم که اعدام کنندگان خود عاملین مستقیم و غیرمستقیم جرم و جنایات در جامعه هستند و اعدام شوندگان قربانیان خود این نظام و مناسبات‌اند، قباحات اعدام بیشتر جلوی چشم می‌آید.

اینجا می‌خواهم نکاتی را در مورد ریشه اعدام و استدلالاتی که در دفاع از آن صورت می‌گیرد مورد بحث قرار دهم. اما قبل از آن اشاره کنم که خوشبختانه در چند دهه اخیر اکثر دولت‌ها زیر فشار جنبش ضد اعدام، از این جنایت دست کشیده‌اند و مجازات اعدام را کنار گذاشته‌اند. بنا به آمار ۱۴۵ کشور دنیا رسماً یا عملاً مجازات اعدام را کنار گذاشته‌اند. اما همچنان در ۵۴ کشور این کشتار رسمی ادامه دارد. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به نسبت جمعیت بیشترین میزان اعدام در میان کشورهای جهان را انجام داده و می‌دهد. در سال گذشته بنا به گزارش عفو بین‌الملل در ایران ۵۵۳ نفر اعدام شدند. از میان ۵۵ کشوری که همچنان مجازات اعدام را حفظ کرده‌اند، کشور چین از نظر تعداد بیشترین میزان اعدام‌ها را انجام می‌دهد که شمار آنها به بیش از هزار نفر در سال گذشته رسید. تازه این به نسبت سال‌های قبل کاهش جدی‌ای را نشان می‌دهد. به دنبال آن جمهوری اسلامی ایران دومین دولتی است که بیشترین میزان اعدام‌ها را داشته و شمار اعدام‌هایش به نسبت چند سال اخیر افزایش یافته است. پس از آن کشورهای مصر، عربستان، سوریه، و سومالی قرار دارند. آمریکا تنها کشور غربی است که همچنان در چندین ایالت آن قانون اعدام اجرا می‌شود.

انتقام از مجرم و جنایت‌کار

فلسفه و اساس اعدام از انتقام و مقابله به مثلمایه گرفته است. بیشترین و رایج‌ترین کاربرد آن در برابر قتل و تجاوز است. اما به بسیاری از جرم‌های دیگر حتی مخالفین سیاسی و عقیدتی نیز سرایت داده شده است. اساس مسئله این است که کسی قتل و تجاوز و عمل خلافی انجام داده و باید در مقابل به سزای اعمالش برسد. مذاهب و دولت‌ها و حاکمین روی این سنت کهنه و قدیمی انتقام سوار شده و قرن‌ها دست به کشتار و قتل افراد و حتی مخالفین خود زده‌اند. اما هدفی که رسماً از مجازات اعدام دنبال می‌شود از سنت ضدانسانی و وحشیانه انتقام نیز وحشیانه‌تر است. اعدام همیشه ابزاری برای سرکوب مردم معترض و دگراندیش و برای حفظ سیستم طبقاتی و حاکمیت اقلیتانگلی بوده است. می‌توان نشان داد و ثابت کرد که گرچه بیشتر اعدام‌ها در ظاهر برای از بین بردن اصطلاح "مفاسد اجتماعی" تعریف شده، اما همیشه چه در دوره برده‌داری و اشرافیت، چه در دوره زمین‌داری و چه در دوره کنونی یعنی سرمایه‌داری، اعدام به‌عنوان ابزاری برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه و حفظ کنترل و سلطه اقلیت بر اکثریت مردم به کار گرفته شده و می‌شود. همان‌ها که خود عامل و منشأ تمام مفاسد اجتماعی هستند، به‌عنوان قاضی و جلاد و قانون‌گذار قربانیان سیستم حاکم را به جرم جنایت محاکمه و اعدام می‌کنند. این اساس مسئله است. اقلیت حاکم در همه جا در صورت لزوم و در صورتی که فضای جامعه به آنها اجازه داده حتی از اعدام مستقیم و علنی مخالفین سیاسی خود نیز



کشتن قاتل صورت مسئله را که خود سیستم حاکم است تماماً پاک می‌کنند و مانع این می‌شوند که علت جرم و جنایت توسط مردم دیده شود.

قتل در برابر قتل، در واقع قاتل در برابر قاتل است. دولتی که قاتل را به قتل می‌رساند از قاتلی که قتلی صورت می‌دهد صدبار کثیف‌تر و جانی‌تر است.

۳- اعدام به‌خاطر درس‌گیری و عبرت مردم

اعدام به‌خاطر درس‌گیری جامعه از بقیه استدلالات مسخره‌تر و وحشیانه‌تر و از منطق انسانی تهی‌تر است. اساس این استدلال این است که باید قاتل یا متجاوز یا دزد و فاسد را اعدام کرد تا دیگران یعنی آنها که جرمی هنوز نکرده‌اند، بترسند و ببینند که چنین اقدامات و جنایاتی پاسخی ماند و سرنوشت مجرمین سرنوشت هولناکی خواهد بود. این گویا باعث می‌شود که مردم از انجام جرم و جنایت واهمه و ترس داشته باشند و دست به چنین جنایات و جرم‌هایی نزنند. می‌گویند اگر قاتل و مجرم اعدام نشود، جرم و جنایت افزایش می‌یابد. و برعکس با اعدام، جرم و جنایت کاهش خواهد یافت. اینها قرن‌ها به‌عنوان استدلالات اصلی دولت‌ها و مدافعین اعدام مطرح شده و می‌شود. اما جنایت‌کارانه بودن و بی‌پایه بودن چنین استدلالاتی با کمی تعمق کاملاً عیان می‌شود. چه کسی گفته است که مردم آماده جنایت‌اند و باید با ترس آنها را از جنایت منصرف کرد؟ این توهین به شعور و انسانیت کل انسان‌هاست.

خوشبختانه تجربه کشورهای مختلف عکس این را نشان می‌دهد. از آن طرف این توهم و یک دروغ تاریخی است که گویا با اعمال مجازات اعدام، قتل و جنایت کمتر می‌شود. در سال‌های اخیر که علم آمارگیری و تجزیه و تحلیل اجتماعی و علمی رشد کرده، و بعلاوه و مهم‌تر اینکه در کشورهای متعددی مجازات اعدام کنار گذاشته شده است، کاملاً روشن شده که اعدام مطلقاً و مطلقاً باعث کاهش جرم و جنایت نشده و نخواهد شد. برعکس کشتن انسان‌ها بنام اعدام، همان گونه که اشاره شد مشوق فضای آدم‌کشی و قتل و جنایت است. وقتی که دولت در برابر چشم کل جامعه از جمله کودکان دست به آدم‌کشی می‌زند یکی از تأثیرات مستقیم آن می‌تواند عادی شدن قتل و جنایت باشد. با اعدام ارزش جان انسان در ذهنیت جامعه کمتر می‌شود و اقدام به قتل و مرگ عادی‌سازی می‌گردد. این گفتمان تأثیر روانی مستقیمی بر افزایش جنایت می‌گذارد. نه فقط این. بلکه کلاً اعدام مناسبات اجتماعی را عقب می‌کشد. سطح احترام و منزلت انسان‌ها با اعدام و آدم‌کشی تنزل می‌کند و پایین می‌آید. برعکس در جوامعی که اعدام و قتل دولتی وجود ندارد، کسی به‌راحتی از قتل و جنایت سخن نمی‌گوید. انسان منزلت بیشتری پیدا می‌کند. جان انسان‌ها ارزش بالایی پیدا می‌کند. در واقع استدلال پشت مخالفت با اعدام این است که باید تلاش کرد و فهمید که علت قتل و جنایت چه بوده است. مجرمین و قاتلین خود قربانی شرایطی هستند که باعث شده است به مسیر جنایت بيفتند و اگر به آنها فرصت داده شود می‌توانند به افراد مفیدی برای جامعه تبدیل شوند و به جامعه خدمت کنند. این را تجربه کشورهایهایی که اعدام در آنها کنار گذاشته شده است به‌روشنی نشان می‌دهد.

اما از جنبه دیگری هم استدلال درس‌دادن به جامعه با اعدام، ماهیت غیرانسان‌بخود را نشان می‌دهد. توجه کنید! انسان یا انسان‌هایی آگاهانه و عمدانه به قتل می‌رسند تا کسان دیگری آموزش ببینند! چه آموزش منطقی و انسانی ای! تعمق در این استدلال ناعادلانه بودن و جنایت‌کارانه بودن آن‌ها را به‌روشنی نشان می‌دهد. چرا باید با قتل و اعدام به جامعه آموزش داد؟ آن‌هم آموزش قتل نه آموزش دوری از قتل.

اگر توجه شود کهاین آموزش آدم‌کشی است نه دورشدن از جنایت، آنگاه صورت مسئله معروض می‌شود. صورت مسئله‌هاین می‌شود که کسی دست به جنایتی زده

از صفحه ۱۳

علیه مجازات اعدام...

که جرم و جنایتی کرده اصلاح شود و به جامعه برگردد، به دلیل کم‌خرج‌تر بودن اعدام، باید او را کشت. این استدلال نفرت‌انگیز دولت‌ها و مدافعان اعدام است. این به این مفهوم است که جان انسان‌ها ارزشی ندارد. برای کمتر کردن هزینه نگهداری افراد، به‌جای اصلاح، آنها را به قتل می‌رسانند. به طور واقعی دولت‌هایی که قانون اعدام را بکار می‌گیرند در کل برای نگهداری و حفظ جان انسان‌ها بودجه‌های بسیار کمتری به کار می‌گیرند تا برای نابودکردن و کشتن آنها. چون که جان انسان‌ها برایشان ارزشی ندارد. برایشان مهم نیست که کسی کشته شود. حتی اگر جرمی نکرده باشد. قضات جمهوری اسلامی نظیر خلخالی حتی این موضع انزجارآور را علناً اعلام کردند که اگر کسانی اشتباه اعدام شدند مهم نیست؛ چون در آن دنیا به بهشت می‌روند! این اوج تعفن‌سیاست اعدام و کل این حکومت و اسلامش را بازتاب می‌دهد.

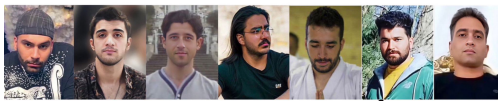
اما در مورد کشتن مجرمین و مصون داشتن جامعه نیز یک جهت‌گیری کاملاً وارونه تبلیغ می‌شود. گویا با اعدام قاتل و تجاوزگر، جامعه بیشتر مصون و محفوظ می‌شود. درست برعکس است. در جامعه‌ای که حکومت رسماً آدم می‌کشد، و مبلغ اعدام و آدم‌کشی، و بی‌ارزش بودن جان انسان‌هاست، طبیعی است کهفضا برای قتل و جنایت مهیاتر و آماده‌تر است. سنت اعدام، به‌خودی‌خود به معنای تبلیغ آدم‌کشی است و روان‌شناسی مرگ و قتل در میان مردم است و برعکس ممنوعیت اعدام و دفاع از ارزش زندگی و جان انسان‌ها و تلاش برای دورکردن مجرمین از چرخه قتل و تجاوز، باعث رشد آگاهی جامعه و تقویت ارج‌گذاشتن به جان و زندگی انسان‌ها خواهد شد و فضای جامعه را به‌سوی گسترش انسان‌دوستی سوق می‌دهد. این را تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد.

در تمام کشورهایهایی که قانون اعدام وجود دارد، جرم و جنایت و قتل و تجاوز وسیع‌تر از کشورهای دیگر است. نمونه‌اش باز همین ایران تحت حکومت اسلامی یا کشورهای مثل عربستان و چین است.

۲- اجرای عدالت با کيفردادن مجرمین

در این زمینه جوهر استدلال موافقین اعدام این است که کسی که قتل و تجاوزی کرده به‌هر حال باید به سزای اعمالش برسد. "سزای اعمال" بیان دیگری برای تقاص پس‌دادن و مکافات و مجازات‌شدن به‌خاطر جنایتی است که اتفاق افتاده است. قانون قصاص در حکومت اسلامی عیناً همین است. در این قانون بازماندگان قربانی یا مقتول (اولیای دم) این حق را دارند که قاتل را به دست خودشان به قتل برسانند. نفس شرکت‌دادن و وابستگی قربانی در کشتن افراد به‌شدت مخرب و جنایت‌کارانه است و تأثیرات روانی مهلک و ماندگاری بر کسانی که در این اقدام شرکت کرده‌اند باقی گذاشته است. اساس این استدلال این است که باید انتقام جنایت را از جانی گرفت. این بدان معناست که جامعه با نابودکردن مجرم و قاتل و متجاوز، در واقع چشمش را بروی علت و ریشه جرائم و قتل و تجاوز که خود سیستم ناعادلانه و غیرانسانی حاکم است، می‌بندد و با قاتل مقابله به‌مثلمی‌کند. یعنی قتل در برابر قتل. قتل در برابر تجاوز. معلوم نیست که تفاوت کسی که قتل و تجاوزی صورت داده با کسی که از او انتقام می‌گیرد و او را می‌کشد چیست. این در واقع نوع دیگری از افتادن در چرخه آدم‌کشی و انتقام‌گیری است که ریشه در سنت‌های عقب‌مانده و دوران توحش دارد. بیشتر مذاهب و به‌ویژه اسلام مبلغ انتقام هستند و سیاست چشم در برابر چشم را تبلیغ می‌کنند. این سیاست کاملاً و مستقیماً ترویج قتل و جنایت است. بجای اینکه در ذهن کودکان و مردم این سؤال را مطرح کنند که چه شرایطی باعث شده است که فلان جنایت صورت گیرد، یاد می‌دهند که کسی که قتل و تجاوز کرده باید به قتل برسد. باید انتقام گرفت و مقابله به‌مثل کرد. این بدان معناست که حکومت‌ها با

روز جهانی علیه اعدام 10th October World Day Against Execution ۱۰ اکتبر



علیه حکومت اعدامی به خیابان می آییم!



به نمایش بگذاریم.

ما خواهان الغاء فوری و بی چون و چرای مجازات اعدام و لغو همه احکام اعدام در ایران هستیم. از نظر ما اعدام به هیچ وجه و در هیچ شرایطی مجاز نیست. اعدام مخالفین سیاسی و عقیدتی، اعدام به دلیل گرایش جنسی و اعدام کودکان نه فقط باید مطلقاً متوقف شود بلکه هر مورد باید به عنوان جنایت جمهوری اسلامی علیه بشریت در سطح جهانی محکوم شود. ما خواهان تشکیل کمیته های حقیقت یاب در مورد تمامی اعدام های صورت گرفته در جمهوری اسلامی هستیم. ما خواهان توقف نمایش های خیابانی اعدام و محکوم کردن جهانی آن هستیم. قانون قرون وسطایی و ضد بشری قصاص و دخیل کردن اولیاء دم در تصمیم گیری در مورد اعدام باید فوراً متوقف شود. ما بخشی از جنبش دادخواهی در ایران هستیم و برای تحقق همه خواسته های آن و از جمله محاکمه سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت میکوشیم.

ما همه ایرانیان خارج کشور را فرا می خوانیم که به مناسبت روز جهانی علیه اعدام، با برگزاری میتینگ های اعتراضی در کشورهای مختلف دنیا ضمن اعتراض به رژیم اعدام جمهوری اسلامی پیام آوران جامعه ای بدون اعدام باشند. انتظار ما از مردم دنیا و جامعه جهانی این است که با اعمال فشار سیاسی قاطعانه علیه جمهوری اسلامی و بایکوت این رژیم آدمکش، به ما برای برچیدن بساط اعدام در ایران یاری رسانند.

مردم در ایران وارد مصافی جدی با جمهوری اسلامی شده اند و این حکومت را نمی خواهند. جمهوری اسلامی جایی در آینده ایران ندارد. آینده از آن مردم است. همراهی شما جهانیان با مردم ایران به برپایی جامعه ای آزاد و برابر و انسانی یاری خواهد رساند.

کمیته بین المللی علیه اعدام

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

۲ اکتبر ۲۰۲۳ - ۱۰ مهر ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

بیانیه سه نهاد به مناسبت دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام فرمان انقلاب زن زندگی آزادی: لغو مجازات اعدام!

روز دهم اکتبر روز جهانی علیه مجازات شنیع و ضد انسانی اعدام است. به این مناسبت ما سه نهاد کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی با صدای بلند اعلام می کنیم که بساط اعدام در ایران باید برچیده شود و صدور هرگونه حکم اعدام باید پایان یابد. زندگی در شعار محوری انقلاب یعنی زن زندگی آزادی، تأکیدی بر این واقعیت است که مردم ایران می خواهند به هر گونه جنایت حکومتی و قتل عمد دولتی در ایران خاتمه دهند و از حق حیات و تضمین زندگی انسانی برای همگان دفاع می کنند.

امسال در شرایطی به پیشواز روز جهانی علیه اعدام می رویم که میزان اعدامهای انجام گرفته از سوی رژیم اسلامی رشد صعودی داشته است. بنا به گزارشات موجود در سال ۱۴۰۱ دست کم ۶۱۷ شهروند از جمله ۱۳ زن و ۶ کودک-مجرم اعدام شدند که در مقایسه با سال ۱۴۰۰ بیش از ۸۰ درصد افزایش داشته است. همچنین در نیمه اول سال جاری حداقل ۳۲۹ نفر توسط جمهوری اسلامی اعدام شده اند. بنا به گزارش هرانا در ده سال گذشته (۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳) در مجموع ۴۸۲۹ مورد اعدام به اجرا گذاشته شده است.

در طول انقلاب زن زندگی آزادی جمهوری اسلامی حداقل هفت نفر از معترضین دستگیر شده به نامهای محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمد مهدی کرمی، محمد حسینی، مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی را اعدام کرد که با خشم و اعتراض عمومی جامعه روبرو شد. کشتن این معترضین یکبار دیگر نشان داد که اعدام ابزار سرکوب حکومت برای مقابله با مردم معترض است. حاکمان اسلامی فکر می کنند با برقرار کردن چوبه های دار در زندانها و بعضاً در ملا عام و پهن کردن بساط آدمکشی می توانند جامعه را به سکون بکشانند. اما در این کشور هر گونه اقدام سرکوبگرانه رژیم به موضوعی برای اعتراض بیشتر مردم تبدیل می شود. در همین رابطه از جمله می توان به اعتراضات وسیع مردم در ارتباط با اعدام سه جوان معترض در شهر اصفهان، صدور بیانیه در محکومیت اعدام از سوی دهها تن از فعالین اجتماعی، اعتراضات خانواده های محکومین جرایم عادی که به اعدام محکوم شده اند و حتی اعتراض علیه اجرای احکام اعدام در زندانها اشاره کرد.

ما بر این باوریم که در صورت نیرومند تر شدن هر چه بیشتر جنبش علیه اعدام در ایران، که ما بارها نمود آنرا در واکنش به صدور و اجرای احکام اعدام دیده ایم، قادر خواهیم بود اعدامها را در ایران متوقف کنیم. حذف مجازات اعدام در بسیاری از کشورهای جهان حاصل فشار افکار عمومی و اعتراضات سازمانها و نهادها مخالف اعدام بوده است. این در مورد ایران نیز صادق است. در روز جهانی علیه اعدام با دامن زدن بیشتر به گفتمان ضد اعدام و صدور بیانیه و قطعنامه و برپایی تجمع و گردهمایی و یا نوشتن شعارهای همچون "اعدام قتل عمد دولتی است" بر در و دیوار شهر و یا بکارگیری هر ابتکار مبارزاتی دیگر عزم و اراده جامعه را برای لغو مجازات ضد انسانی اعدام در ایران

علیه مجازات اعدام...

از صفحه ۱۴

و باید تلاش کنیم بفهمیم که چرا این جنایت صورت گرفته و چگونه می شود مانع ادامه آن شد و چگونه می شود کاری کرد که شخص مجرم و قاتل به انسان مفیدی برای جامعه تبدیل شود. نه اینکه برای عبرت و ترس جامعه او را به قتل برسانند.

نتیجه گیری: در کل روشن است که اعدام اولاً قتل عمد و نقشه مند دولتی است و هدف اصلی همه اعدامها در همه جا، سیاسی و برای حفظ نظام ناعادلانه حاکم و جلوگیری از خیزش و اعتراضات مردم است. بدترین جنایت کاران آنهاست که بر جامعه به زور سرکوب و اعدام حکومت می کنند و همین جنایت کارانه عنوان قاضی و مجری قانون، قربانیان نظام را به عنوان جنایت کار اعدام می کنند. ناهنجاریها و جرم و جنایت در جامعه ریشه در بی عدالتیها و محرومیتها و تبعیضات حاکم بر جامعه

دارد. نه فقط با اعدامهای سیاسی بلکه کلاً با پدیده اعدام باید قویاً مخالفت و مقابله کرد. وقتی که معیارها با اعدام در جامعه پایین کشیده می شود، دولتها از شرایط پیش آمده برای اعدام مخالفین سیاسی خود نیز استفاده می کنند. بدون هیچ تامل و تردیدی باید با مجازات اعدام مخالفت کرد و حکومت را با یک جنبش وسیع ضد اعدام به زانو در آورد. جامعه ای که در آن همچنان قانون اعدام وجود دارد، جامعه ای بیمار و عقب کشیده شده است. با لغو این مجازات شنیع و ضد بشری، می توان فضای جامعه را گامها جلو کشید و از نفس زندگی انسانی دفاع کرد. یکی از محورهای انقلاب زن زندگی آزادی، خود زندگی است. جنبش دفاع از زندگی و ضد اعدام در ایران بسیار قدرتمند و گسترده است و با گسترش بیشتر آن می توانیم این گام تاریخی را برداریم یعنی پرونده اعدام، این توحش عصر حجری را برای همیشه در این جامعه مختمه اعلام کنیم.

بیانیه دادخواهان به مناسبت

۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) روز جهانی مبارزه علیه اعدام

جنبش دادخواهی با اعدام شریف ترین آزادیخواهان در مقابل حکومت ظلم و تبعیض سر بلند کرد و با #مادران_خاوران پرچم علیه اعدام برافراشته شد. مادرانی که پنجه بر خاک سرد گورستان خاوران می کشیدند تا نشانی از قلبهای آتشین فرزندانیشان که برای آزادی و برابری می تپید را بیابند. #مادران_دهه_شصت که فریادشان در لابلای غوغای نسل کشی حاکمان می چرخید تا امروز که چندین دهه از آوار اعدام بر سر زندگی، در این سرزمین می گذرد، همچنان دادخواهان ایستاده اند و همراه همه مردم حکم شکن و قرون وسطایی اعدام را بر نمی تابند. اعدام به عنوان قتل عمد حکومتی، تنها برای سرکوب و مطیع کردن انسانها به کار می رود. ماشین خون آلود اعدام تنها زندگی را از یک انسان سلب نمی کند، بلکه علیه مردمی است که زندگی را حق خود می دانند.

طی چندین دهه سلطه حکومت اعدام، آمارهای بسیار تکان دهنده ای از قتل حکومتی انسانها با دلایل و بهانه های مختلف وجود دارد و سیل دادخواهانی را ایجاد کرده که می خواهند بدانند چرا عزیزانمان را کشتند. آنهم در دستگاه قضاییه ای که بویی از عدالت و انسانیت نبرده و با قوانین عهد حجری قصاص، پیام مرگ را به جامعه داده است.

در ادامه همین روند در انقلاب "زن زندگی آزادی"، انقلابی که بر علیه تمام بساط ظلم و تبعیض و تحجر سربلند کرد، هفت تن از عزیزان ما را که تنها جرمشان فریاد #زن_زندگی_آزادی بوده است را در برابر چشم های به خشم آمده در انقلابمان به دار آویختند تا بگویند که در شقاوت و پلیدی همانندی ندارند.

#محسن_شکاری #مجیدرضا_رهنورد #محمد_حسینی #مهدی_کرمی #سعید_یعقوبی #صالح_میرهاشمی #مجید_کاظمی نام هفت انسان مبارزی است

که نامشان بر پرچم دادخواهی و #انقلاب_مهسا_جاودانه است.

ما دادخواهان به همراه همه مردم معترض از کردستان تا بلوچستان از گیلان و مازندران تا تهران و خوزستان، پاسخ مان تنها یک جمله بوده است: قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان یک خواست همه ما مردم، لغو مجازات اعدام برای همیشه است.

اینک در ۱۰ اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام صدای اعتراض مان را متحد کرده و علیه اعدام و مرگ و نیستی، اعتراض می کنیم.

هنوز انسانهای زیادی در مسلخ ها به انتظار اجرای حکم اعدام هستند و تقویم زندگی خود و خانواده هایشان، با رنگ مرگ سیاه شده است و صدور احکام اعدام همچنان تهدیدی علیه متهمان است.

با برگزاری تجمعات و تظاهرات ها، این شمشیر خون آلود قتل حکومتی را از دستان منحوس حاکمان بگیریم و اعدام ها را متوقف کنیم. در و دیوار همه شهرها را با شعارهایی علیه اعدام و عکس های عزیزان جانباخته مان که به طناب دار آویخته شدند، پر کنیم.

این روز را به یک روز اعتراض سراسری علیه اعدام و سرکوب تبدیل کنیم. با برافراشتن عکس عزیزانمان و سوزاندن طناب های دار که جان عزیزانمان را بدرقه مرگ کرده است، دادخواه زندگی باشیم و یاد عزیزان جانباخته مان را گرمی بداریم. آمرین و عاملین کشتار مردم باید در سطح جهانی مورد پیگرد قرار گیرند و محاکمه شوند.

#حکومت_اعدام_نمیخواهیم - #اعدام_قتل_عمد_حکومتی_است

#نه_میبخشیم_نه_فراموش_میکنیم

دادخواهان - مهر ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

آرمیتا گراوند تکرار تراژدی چماق حجاب

دختر دانش آموز ۱۶ ساله ای که در

سرعت آزاد شد. در پی نمایش های همیشگی امنیتی پدر و مادر آرمیتا در تصویر تلویزیونی آورده شدند که بتوانند دلایل ضرب و شتم آرمیتا را پنهان کنند علت بیهوشی آرمیتا را افت فشار وی عنوان کنند و این در حالیست که حاضر به انتشار تصاویر دوربین های داخل مترو نبوده اند. هم اکنون مردم تهران به سمت محدوده بیمارستان فجر در مسیرهای سه راه سلیمانیه و خیابان فجر در حال حرکت هستند و فضای اطراف بیمارستان فجر بشدت امنیتی است. در حالیکه هنوز بانگ "زن زندگی آزادی" در سالگرد انقلاب مهسا از هر گوشه ای طنین انداز است آرمیتا کودک



دانش آموز ۱۶ ساله با چماق حجاب به کما رفته است. ضمن همدردی با خانواده آرمیتا و آرزوی بهبودی وی اعلام می کنیم حاکمانی که با چماق سرکوب در خیابانها جولان می دهند مسئول جان آرمیتا هستند. ما تراژدی دیگری را تحمل نخواهیم کرد. ندای زنان ایران - ۱۱ مهر ۱۴۰۲

برگرفته از مدیای اجتماعی

دهم اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام

اعدام قتل عمد حکومتیست. هر اعدام یک قتل است.

اعدام خشونت آشکار علیه مردم برای مرعوب کردن جامعه است. اعدام، استتار و پنهان کردن مقصران اصلی در چشم مردمیست که خود قربانی سیستم نابرابر و یا معترضین به این ساختار پر از تبعیض هستند. «مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است». جهان در دهه سوم قرن بیست و یکم دیگر چنین مجازات غیرانسانی را تحمل نمی کند. بشریت متمدن و مردم پیشرو علیه مجازات اعدام به صف شده اند!!

#10 اکتبر_روز_جهانی_علیه_اعدام - شورای بازنشستگان ایران

(برگرفته از مدیای اجتماعی)